



Bandar Gaz and Iranian merchants: Amin al-Zarb and Thumanian

BagherAli Adelfar¹ | Masoud Adinevand²

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract:

Purpose: Bandar Gaz a small town at the southeast end of the Caspian Sea turned to trade center with Russia when Russian merchants established their business there in mid-nineteenth century. However, after the construction of the Trans-Caspian Railway the focus of Russians moved to Khorasan. Then prominent Iranian merchants, Amin al-Zarb brothers and Thumanian brothers, established their offices in the city. This paper reports the development of the city from Mid 19th-to Mid 20th century.

Method and Research Design: Data is gathered from archival records and library materials

Findings and Conclusion: Commercial importance and geographical advantages led to the construction of port facilities. As the result, Russian as well as Iranian merchants were attracted to the area. Later development of the port, however, was due to the Iranian merchants who remained active after Russians left the area.

Keywords:

Bandar Gaz; Merchants; Thumanian (Thumanitus); Amin al-Zarb.

Citation:

Adelfar, B., Adinehvand, M. (2019). Bandar Gaz and Iranian merchants: Amin al-Zarb and Thumanian. *Ganjine-ye Asnad*, 29(4), 42-72. (In Persian)

1. Associate professor, Department of History, Imam khomeini international university, Qazvin, I. R. Iran, (Corresponding Author).
badelfar@yahoo.com

2. PhD of History, Department of History, Imam khomeini international university, Qazvin, I. R. Iran.
masoud.adineh66@yahoo.com

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«116»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2019.2396

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 4, Winter 2020 | pp: 42 - 72 (31) | Received: 18, Nov. 2018 | Accepted: 27, Jan. 2019

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

بندر گز و فعالیت تجار ایرانی در دوره قاجار: امین‌الضرب‌ها و تومانیان‌ها

باقرعلی عادل فر^۱ | مسعود آدینه‌وند^۲

چکیده:

هدف: بندر گز در جنوب شرقی دریای خزر بعد از ورود روس‌ها رونق گرفت. هدف روس‌ها در بندر گز سیطره تجاری، و مهم‌تر از آن سلطه بر ایالت خراسان بود. پس از توسعه راه آهن روسیه به شرق خزر، برتری آن‌ها در بندر گز کاهش یافت. محمدحسن و محمدحسین امین‌الضرب و تومانیان‌ها برخی از جمله تاجران ایرانی بودند که به فعالیت در این بندر کوچک ولی مهم پرداختند. هدف مقاله حاضر تحلیل فعالیت‌های آنهاست.

روش / رویکرد پژوهش: داده‌ها از اسناد آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای استخراج شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: اهمیت تجاری و موقعیت جغرافیایی بندر گز سبب رونق تأسیسات بندری و فعالیت تجار خارجی و داخلی دوره قاجار در آن‌جا شد. تجار ایرانی بعد از مدت‌ها تجارت با واسطه با روسیه و با به‌دست آوردن سرمایه و استفاده از ضعف تجاری روسیه در بعد از جنگ جهانی اول، خود به بازرگانی در این بندر پرداختند و باعث رونق آن شدند.

کلیدواژه‌ها:

بندر گز؛ قاجار؛ تجار ایرانی؛ امین‌الضرب‌ها؛ تومانیان‌ها (تومانیانتس).

استناد:

عادل فر، باقر؛ آدینه‌وند، مسعود. (۱۳۹۸). بندر گز و فعالیت تجار ایرانی در دوره قاجار: امین‌الضرب‌ها و تومانیان‌ها. گنجینه اسناد، ۲۹ (۴)، ۴۲-۷۲.

۱. دانشیار تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، ایران، (نویسنده مسئول)
badelfar@yahoo.com

۲. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، ایران. masoud.adineh66@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۱۶»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۱۹.۲۳۹۶

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC, و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۴، زمستان ۱۳۹۸ | صص: ۴۲-۷۲ (۳۱)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۷ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۷

تحقیقات تاریخی

مقدمه

دوره قاجار در زمینه مداخله و مشارکت بازرگانان و تجار داخلی در وضعیت سیاسی-اقتصادی و اجتماعی ایران، مرحله‌ای مهم بود و در نیمه دوم حکومت این سلسله یعنی از زمان ناصرالدین شاه به بعد، بر شدت نفوذ و مداخله این طبقه افزوده شد. استعمارگران به‌ویژه روسیه و انگلیس، از اوایل دوره قاجار با ایران ارتباط برقرار کردند و از طرق مختلف امتیازاتی گوناگون از کشور گرفتند. دولت روسیه بعد از پیروزی در دو بار جنگ با ایران، با عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای سلطه سیاسی و اقتصادی خود را تضمین و تثبیت کرد و بدین وسیله گامی دیگر در راستای تحقق وصیت‌نامه ساختگی و یا واقعی پتر کبیر - مبنی بر دستیابی به آب‌های آزاد - به سوی جنوب برداشت و به بهانه‌های مختلف از جمله برقراری آرامش و گسترش تمدن در میان صحرائشینان شرق دریای خزر به نوار ساحلی این حوزه آبی وارد شد. عمال این دولت تجهیزات و تأسیسات خود را در استرآباد و به‌ویژه در بندر گز مستقر کردند و با اطلاع از موقعیت سوق الجیشی آن، برای تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی خود تلاشی یک‌صدساله را آغاز کردند. تمرکز روس‌ها در دهانه جنوب شرق خزر موجب توسعه این نواحی و ایجاد تأسیسات زیادی شد و در ادامه این اقدامات بود که در محل روستای قدیمی جز تأسیسات بندری بنا شد. ایجاد لنگرگاه‌ها و انبارهای مختلف در گز نشان‌دهنده اهمیت تجاری این بندر برای روسیه بود و تجار روسی تا اواخر دوره قاجار بر بندر مذکور سلطه داشتند. هم‌زمان با فعالیت‌های تجار بیگانه، تجار بومی ایران نیز به تدریج با بازرگانی، بانکداری و صرافی، صنایع و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف آشنا شدند و با وجود تمام موانع و مشکلات به سرمایه‌گذاری پرداختند؛ از جمله در زمینه توتون و تنباکو در زمان ناصرالدین شاه، و تأسیس کارخانه برق در دوران بعد (ناطق، ۱۳۷۳، صص ۱۶۳-۱۷۲ و ۲۱۰-۲۲۸). پس از این، تجار ایرانی که راه‌های کسب سود را شناخته بودند و پول زیادی هم به دست آورده بودند، از اینکه بخشی از ثروت خود را به سرمایه‌گذاری در شهرها و بندرها اختصاص دهند، باکی نداشتند.

از مهم‌ترین اراضی محل فعالیت تجار خارجی - به‌ویژه روسیه - بندر گز و استرآباد بود که تجار ایرانی نیز متوجه اهمیت آن شده بودند؛ بنابراین با کاهش حضور تجار خارجی در نیمه دوم حکومت قاجار در این مناطق، تجار ایرانی به این مناطق توجه کردند و قسمتی از دارایی خود را به تجارت، کشاورزی، و صنعت در این مناطق اختصاص دادند. گرچه موانعی نیز وجود داشت که مالکیت خصوصی ضعیف را به شدت تهدید می‌کرد - هم‌چون استبداد عمال دولت و گماشتگان محلی چون کلاتران و داروغه‌ها و باج‌ستانی آن‌ها از این تجار، و مصادره اموال و ناامنی - با این حال عده‌ای از تجار به موضوع سرمایه‌گذاری در این مناطق

توجه کردند؛ از جمله امین‌الضرب‌ها (پدر و پسر) و برادران تومانیان که در آن زمان جزء متمدولین و ثروتمندان کشور به‌شمار می‌رفتند.

در آثار زیادی به نقش تجار ایرانی در دوره قاجار توجه شده‌است؛ ولی بیشتر این آثار، تجارت و بازرگانی و عملکرد سیاسی و رابطه این تجار با ساختار حکومت را بررسی کرده‌اند. در بین این آثار کتاب هما ناطق (۱۳۷۳) درباره نقش و کارکرد تجار ایرانی در زمینه توتون و تنباکو مطالبی ارزنده دارد. کتاب سهیلا ترابی فارسانی (۱۳۸۴) هم رابطه تجار با مشروطه‌خواهی و تأسیس دولت نوین در ایران را بررسی کرده‌است. احمد سیف (۱۳۷۵)، احمد اشرف (۱۳۵۹)، و محمدرضا فشاهی (۱۳۶۰) و توحیدلو (۱۳۹۴) نیز درباره علل رشد نکردن سرمایه‌گذاری تجار ایرانی در داخل کشور، از زاویه ساختار سیاسی و اجتماعی و اقتصادی قلم‌فرسایی کرده‌اند؛ ولی به حضور و فعالیت امین‌الضرب‌ها و تومانیان‌ها - که از تاجران عمده و اصلی دوره قاجار بوده‌اند - در محدوده بندر گز اشاره‌ای نکرده‌اند. در بین مقالات مقاله حجت فلاح توتکار (۱۳۸۶) با اشاره به نقش امین‌الضرب‌ها در اخذ دستاوردهای تمدنی، و مقاله امیل هاگوپیان (۱۳۸۰) با بررسی تجارت‌خانه تومانیانتس ارمنی اهمیت دارند. مرتضی نورایی و النا آندریوا (۱۳۸۸) و مرتضی نورایی و مینا سعادت (۱۳۸۹) نیز به مسئله حضور روس‌ها و مالکیت آن‌ها در سواحل ایرانی دریای خزر و نقش آن‌ها در اقتصاد تجاری ایران دوره قاجار اشاره کرده‌اند. شیرین مهدوی (۱۳۷۹) گرچه به زندگی امین‌الضرب‌ها و اقدامات او در عرصه‌های مختلف تجارت داخلی و خارجی توجه کرده‌است، ولی درباره علل و روند حضور او در بندر گز اطلاعاتی به‌دست نمی‌دهد. کتاب اسدالله معطوفی (۱۳۷۴) نیز گرچه درباره موقعیت بندر گز اطلاعاتی دارد، ولی به حضور این تجار در آن‌جا و فعالیت‌های تجاری‌شان اشاره‌ای نکرده‌است. چنین به نظر می‌رسد که موضوع شکل‌نگرفتن سرمایه‌داری تجاری در ایران دوره قاجار به‌وسیله تجار بومی، مانع از توجه به این موضوع شده که پایه‌پای تجار خارجی، برخی از تجار ایرانی هم در مناطق گمرکی و بندری از جمله بندر تازه تأسیس «گز» به فعالیت در عرصه‌های مختلف تجاری پرداخته‌اند.

نویسندگان مقاله حاضر با توجه به نقش مهم تجار ایرانی دوره قاجار در زمینه تجارت و فعالیت‌های بازرگانی در کشور، در صدد پاسخ به این پرسش‌ها هستند:

۱. علل و روند تأسیس بندر گز و توسعه آن در دوره قاجار چگونه بوده‌است؟
 ۲. مهم‌ترین تجار ایرانی که در بندر گز فعالیت می‌کرده‌اند، چه کسانی بوده‌اند؟
 ۳. این تجار بیشتر در چه عرصه‌هایی، به فعالیت و سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند؟
- در دوره قاجار، با وجود آنکه برتری تجاری همچنان با خار جیان (از جمله روسیه و انگلیس) بود و بخش عمده مبادلات بازرگانی را تجار و نمایندگان دول استعمارگر انجام می‌دادند، ولی

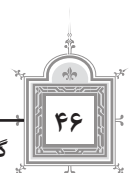


مداخله بازرگانان ایرانی در امور تجاری و غیر تجاری، در محدوده بندر گز و بسیاری از دیگر نقاط مهم کشور در این دوره، به خوبی نشان‌دهنده شکل‌گیری نوعی «سرمایه‌گذاری بومی» در ایران است و این موضوع حاکی از تلاش این تجار در درگیر شدن با مسائل پولی و اقتصادی کشور است.

حضور روسیه در جنوب شرق دریای خزر و روند تأسیس بندر گز

از جمله مهم‌ترین اراضی واقع در جنوب شرق دریای خزر در عهد قاجار، روستایی موسوم به جز (گز، کناره) بود که بعداً به بندر گز معروف شد. گز در ۴۸ کیلومتری غرب گرگان و ۲۰ کیلومتری غرب بندر شاه (بندر ترکمن کنونی) قرار دارد (دهخدا، ۱۳۴۵، ذیل حرف ب: ص ۳۱۲). «گز» از طرف شمال به خلیج گرگان (خلیج استرآباد)، از مشرق به بخش حومه شهرستان کردکوی، از جنوب به شهرستان دامغان، و از مغرب به شهرستان بهشهر محدود است (خسروی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۲۷۵). تا قبل از دوره ناصرالدین‌شاه شرق مازندران و ایالاتی چون استرآباد - که بندر گز بعداً در این قلمرو ساخته شد - وضع ارتباطی مناسبی نداشت و شهرهای آن‌جا مناطقی بسته بودند (ژوبر، ۱۳۴۷، ص ۳۵۸). این بندرگاه (بندر گز) در مجاورت روستای قدیمی جز قرار داشت و وجه تسمیه آن نیز به همین دلیل بود. آب‌وهوای آن‌جا معتدل و مرطوب بود؛ ولی شرایط زیستن در آن دشوار بود، چون شرایط دوران پیشامدرن بود که امکانات بهداشتی و تکنیک‌های پزشکی پیشرفته و همگانی وجود نداشت. در زمان قاجار خانه‌ها در بندر گز از فرط رطوبت، روی چوب ساخته می‌شدند (میرزا ابراهیم نامی، ۲۵۳۵، ص ۳۵). باین حال نزدیکی به دریا و داشتن اراضی حاصلخیز موجب می‌شد که بومیان این سختی را به جان بخرند و در آن‌جا سکونت کنند. رابینو^۱ می‌نویسد: «گز که در دومیلی ساحل خلیج استرآباد واقع و به انزان متعلق است، نه محله دارد؛ کوی خیل، تیسسکنه خیل، بای خیل، کردخیل، بادخیل، کرز محله، محله شاه، کوه صحرا و شاه‌پسند که میان جنگل واقع است و فعلاً مسکون نیست. گز ۴۵۰ خانوار جمعیت دارد و تا اوایل قرن ۲۰ قسمت عمده سکنه آن اسب داشته و بین بندر گز و استرآباد چارواری می‌کردند؛ ولی اخیراً متوجه شده‌اند که سود پنبه‌کاری بیشتر است و لذا اسب خود را فروختند» (رابینو، ۱۳۶۵، ص ۱۱۳). انزان یکی از نواحی و بلوکات مهم ایالت استرآباد به‌شمار می‌رفت که از روستای کرده محله در شرق تا روستای نوکنده در غرب، به طول پنج و عرض دو کیلومتر، تا کوهستان ادامه داشت و از سه محله تشکیل شده بود؛ کرده محله، میان محله، مسکر محله (ملگونوف، ۱۳۷۶، صص ۱۴۰، ۱۵۰). آمدن روس‌ها به استرآباد و آشوراده، عاملی مهم در رونق گز و تبدیل آن به بندر گز بود. روس‌ها از ابتدای دوره قاجار به این حوالی نظر داشتند و خواستار تأسیس کنسولگری و

1. Rabino.



نمایندگی در آن بودند. آن‌ها بعد از پیشروی اولیه به قلمرو ایران در ابتدای دوره قاجار و پیروزی در دو مرحله جنگ و تحمیل قراردادهای گلستان و ترکمانچای، بر شمال ایران سلطه یافته و بخشی از قلمرو ایران را به تصرف درآوردند و بدین ترتیب، بستر مداخلات بعدی خود را فراهم کردند (شمیم، ۱۳۸۷، صص ۸۵-۹۷). با این عهدنامه‌ها، مازندران به دریای اختصاصی روسیه تبدیل، و برتری تجاری روسیه در آن تثبیت شد و امتیاز کشتیرانی سراسر این حوزه آبی تا خطه خراسان، به انحصار و کنترل روسیه درآمد (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۲، صص ۶۶۱-۶۶۲) و سربازان روس در نیمه دوم سلطنت قاجار در شمال ایران مستقر شدند. سپس نیروهای روسی بدون اجازه دربار ایران، از حاکم استرآباد خواستند که «علت ورود سالدات روسی به جزایر ایرانی» را جويا شود (استادوخ، سال ۱۲۴۷ق، کارتن ۳۷، پرونده ۱، برگ ۵). روس‌ها بعد از انقیاد^۱ ترکمن‌ها، به نقاط آرام‌تر و مهم‌تر اطراف استرآباد و بندر گز توجه کردند. کرزن^۲ درباره موقعیت بندر گز می‌نویسد: «بندر گز گاهی کناره^۳ هم خوانده می‌شود، یک گمرک‌خانه و چند ناوگان دارد و اقامتگاه کنسول روسیه و نمایندگی شرکت روسی قفقاز-مکوری^۴ است. سراسر شمال خاک ایران را می‌توان به زنبوری تشبیه کرد که سرش تهران و دمش مشهد است. رشته باریک بین جزایر تا شاهرود، کمر زنبور است و اگر قطع کنند، سر بی‌جان خواهد بود و حداکثر کاری که از دم ساخته است، نیش جانکاهی فرومی‌کند» (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱، صص ۲۵۹). روس‌ها بعد از تصرف جزیره آشوراده، به دنبال یافتن نقطه‌ای (در اطراف روستای گز) در جنوب این جزیره بودند تا بتوانند از آن به‌عنوان پایگاهی تجاری و سیاسی استفاده کنند و از آن به‌بعد بود که بناهایی گوناگون در آن‌جا ساختند (Abbott, 1983, P35)؛ از جمله خانه، سربازخانه، حکیم‌خانه، قراول‌خانه، کلیسا، انبار، دکان، توپ‌خانه و قورخانه در آن‌جا ساختند (میرزا ابراهیم نامی، ۲۵۳۵، صص ۳۷). وقتی روس‌ها در نیمه دوم حکومت قاجار در سواحل جنوب دریای خزر از رشت تا استرآباد حضور پیدا کردند، این مناطق از جمله بندر گز اهمیت زیادی پیدا کرد. آن‌ها بسیاری از املاک و اراضی این مناطق را با مقاصد مختلف اجاره و خریداری یا مصادره کردند (نورایی و سعادت، ۱۳۸۹، صص ۱۳). گز قبل از تبدیل به بندر روستا بود؛ ولی به دلیل موقعیت مناسب (استقرار در مجاورت دریا) رشد و رونق یافت. تبدیل این روستا به شهر - بندر یکی از تبعات مهم تحولات اقتصادی و رشد مناسبات خارجی بوده است. به‌نوشته میرزا ابراهیم - که کتاب خود را در سال‌های ۱۲۷۶-۱۲۷۷ش/۱۸۹۷-۱۸۹۸م تألیف کرده است - بندر گز نوزده سال پیش از تألیف کتاب او احداث شده است (میرزا ابراهیم نامی، ۲۵۳۵، صص ۱۳)؛ یعنی حدود سال‌های ۱۲۵۶-۱۲۵۷ش/۱۸۷۷-۱۸۷۸م که مصادف بوده است با اواسط دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار.

ابوت^۵ بندر گز را محل فرود و مسکون خلیج استرآباد دانسته است (Abbott, 1983, P34).

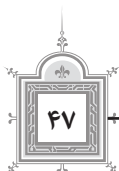
۱. مطیع‌شده؛ رام‌شدن.

2. Kurzon.

۳. بخش ساحلی بندر گز که برای بارگیری و تخلیه کشتی‌ها ساخته شده بود، به «کناره» موسوم بود.

۴. سلطه دریایی روس‌ها بر خزر، این توانایی را به آن‌ها می‌داد که حمل‌ونقل و تجارت آبی را در دست بگیرند؛ بنابراین کمپانی‌های زیادی تأسیس شد؛ از جمله شرکت کشتیرانی «مِرکور» که با حمایت مالی روس هفته‌ای دو بار از حاجی‌طرخان به استرآباد و کراسنودسک می‌آمد (بروگش، ۱۳۶۷، صص ۴۴).

5. Abbott.



به‌علت نزدیکی گز به ساحل، ترکمنان زیاد به آن‌جا حمله می‌کردند و این موضوع بهانه‌ای خوب به روس‌ها می‌داد که حضورشان در آن‌جا را توجیه کنند. کنسولگری روس به کارگزار خارجه ایران نامه داد که تبعه دولت روسیه برای جلوگیری از هدررفتن محموله‌هایشان به انبار نیاز دارند (استادوخ، سال ۱۳۱۵ق، کارتن ۳۱، پرونده ۷-۱۰، برگ ۳). درخواست گماشتن قراول و وکیل برای حفاظت از کنسولگری روسیه در استرآباد و اطراف آن (استادوخ، سال ۱۳۱۶ق، کارتن ۳۵، پرونده ۱۴، برگ ۱۲۰)، نشان‌دهنده میل فزاینده روسیه برای ماندن در این مناطق بوده است. به‌دلیل اغتشاش ترکمنان، چند نفر قراول شب‌ها به نوبت کشیک می‌دادند؛ بنابراین بر موضوع استعداد نظامی بندر گز و حفاظت از آن‌جا تأکید می‌شد (استادوخ، ۱۳۲۶ق، کارتن ۵۷، پرونده ۹، برگ ۴-۵). این بندر از مهم‌ترین شهرها و مراکز تجارت خارجی ایالت استرآباد و مسیر رفت‌وآمد تجار اروپایی بود که روس‌ها در عصر ناصری به آن‌جا سرازیر شدند و به‌علت نزدیکی به ساحل خزر تجهیزات خود را در آن مستقر کردند و سربعاً به آب‌وهوای آن‌جا خو گرفتند. به‌گزارش یکی از مأموران روسی: «به‌استثنای بندر گز، کردم‌حله و چند روستای دیگر، کلیه روستاهای استرآباد وضعیت فقیرانه‌ای دارند. گز گذرگاه استرآباد است و اداره گمرک در آن قرار دارد و تمامی فعالیت‌های استان [استرآباد] در آن قرار دارد؛ زیرا تمامی کالاهای وارده از شاهرود و روسیه از این‌جا می‌گذرد» (ملگونوف، ۱۳۷۶، ص ۱۵۴).

به‌دلیل موقعیت گز روس‌ها همواره برای تصرف آن در تلاش بودند؛ زیرا دسترسی به آن‌جا سلطه بر آشوراده را نیز تسهیل می‌کرد. راه عبور و مرور ایالت استرآباد راه جز بود (عزالدوله و ملکونوف، ۱۳۶۳، ص ۱۲۴). مدتی بعد از توسعه شهر جدید، لفظ کناره برای آن‌ها کار گرفته شد؛ ولی به‌علت مبهم‌بودن این واژه همان اصطلاح بندر استعمال می‌شد و تا سال ۱۳۱۶ش به‌صورت بندر جز نوشته می‌شد؛ سپس عنوان گز به‌کار رفت (ساکما، ۲۴۰/۲۳۶۹). گفتنی است که بهانه روس‌ها برای حضور در بندر گز سرکوب ترکمن‌ها و برقراری آرامش بود؛ ولی آنان کمکی نکردند و اردشیر میرزا والی مازندران بدون کمک روسیه، بیابانگردان ترکمن را سرکوب کرد و روس‌ها با ترکمن‌ها بنای دادوستد گذاشتند (شمیم، ۱۳۸۷، ص ۱۹۲). به‌هرحال جنوب شرق خزر از ابتدا مورد توجه بود و به‌سرعت به یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباطی و اماکن حمل‌ونقل کالا تبدیل شد و نقشی مهم در تحولات داخلی به‌ویژه در امور تجاری و اقتصادی ایفا کرد.

بعد از آمدن روسیه و رونق گرفتن منطقه گز و ایجاد تأسیسات بندری و بناهای متعدد روسی در این محدوده (بوهرلر، ۱۳۵۷، صص ۶۵-۷۶)، روزبه‌روز بر اهمیت گز و نواحی مجاور آن افزوده می‌شد؛ نه از این جهت که روس‌ها چنین هدفی داشتند، بلکه از این نظر که این منطقه مورد توجه بازرگانان قرار گرفت و بر وسعت آن افزوده شد و برخلاف دوران قبل



وضعیتی مناسب پیدا کرد. بندر گز برای روس‌ها نقش راهبردی و اهمیت اقتصادی، سیاسی و نظامی داشت؛ چون هم منافع زیادی نصیب آنان می‌کرد و هم پیشروی به سوی شرق ایران و نظارت بر آن منطقه از این مجرا محقق می‌شد. روس‌ها بعد از استقرار در آشوراده اصرار داشتند که تأسیسات خود را در سواحل روستای گز بسازند و بعد از توافق با شاه، با هزینه ایران انبارخانه‌هایی برای آنان ساخته شد و به آن‌ها اجازه داده شد (Abbott, 1983, P38).

روس‌ها در دوران ناصری نیز همچنان سیاست توسعه‌طلبی در جنوب را پیگیری کردند. آنان با درپیش گرفتن سیاست روسی‌سازی نوار جنوب شرق دریای خزر، تأسیسات زیادی در این مناطق ایجاد کردند. کشتی‌های بخاری و بادی روسیه با چند افسر دائماً در اطراف بندر گز در حال گشت و نگاهبانی بودند (بروگش، ۱۳۶۷، ص ۷۰۴). حضور روس‌ها خواهانخواه نقشی پررنگ در برقراری آرامش و کاهش حملات غارتگرانه ترکمنان داشت. پیش از آمدن آنان سواحل جنوب شرقی خزر به علت تاخت و تاز بیابان‌گردان و ضعف حکومت مرکزی، ثبات چندانی نداشت. ولی بعد از استقرار روس‌ها و لزوم برقراری امنیت برای اتباع روسی و فراهم کردن زمینه برای حمل و نقل کالاها، اوضاع اجتماعی بندر گز در مقایسه با قبل بهبود پیدا کرد. بعد از مکاتباتی که بین صدراعظم حاج میرزا آقاسی و نسلرود^۱ انجام شد، به دنبال درخواست آقاسی از نسلرود تجارت‌خانه روس در استرآباد تأسیس شد. سپس چرنایوف^۲ کنسول روس در استرآباد به نامه‌نگاری با نسلرود پرداخت که انباری دیگر ساخته شود و در این مورد نیز ایران رضایت داد؛ ولی درعین حال آقاسی به بیگلربیگ استرآباد اطلاع داد که بر امر ساختن بنا نظارت کند تا مبادا روس‌ها قلعه نظامی بسازند (تیموری، ۱۳۳۲، صص ۲۶۴-۲۶۷). روس‌ها بعد از پیشروی در اطراف گز و آشوراده خانه‌های روسی، سربازخانه، و مریض‌خانه‌هایی بنا کردند. کشتی‌های ایرانی و ترکمنی هم آذوقه خود را در آشوراده ذخیره می‌کردند (مارکام، ۱۳۶۷، ص ۱۲۷). این اقدامات نشان می‌دهد که روس‌ها برای ماندن آمده بودند و اهدافی فراتر از سرکوب ترکمن‌ها در سر داشتند.

از دیگر اقدامات روس‌ها ساختمان‌سازی بود که از مهم‌ترین این بناها «بیمارخانه» بود که به گفته آدمیت: «نمونه‌ای از روش سیاست توسعه‌طلبی کشوری نیرومند در مجاورت همسایه‌ای ناتوان به‌شمار می‌رفت» (آدمیت، ۱۳۶۲، ص ۴۷۲). روس‌ها به دلیل وضعیت نامناسب بهداشتی و آب‌وهوای خاص آن محدوده به ساختن بیمارخانه برای اتباع خود همت گماشتند. آقاسی به حاکم آن‌جا (موسی‌خان) نامه‌ای داد که محلی کوچک را به ساختن مریض‌خانه برای روس‌ها اختصاص دهد و کشیکچیان آن‌جا ایرانی باشند (استادوخ، سال ۱۲۶۳ق، کارت ۱، پرونده ۶، برگ ۱۵). باین حال این موضوع تا زمان صدارت امیرکبیر - که در تأسیس بندر گز نقشی مهم داشت - به تأخیر افتاد. حاج میرزا آقاسی در سال ۱۲۶۵ق/۱۸۴۸م به عباس‌خان بیگلربیگ آن‌جا

1. Nesselrode.

2. Chrnayf.



نامه‌ای داد که با روس‌ها مساعدت کند؛ ولی فقط مریض‌خانه باشد و کمی بعد که از عواقب آن نگران شد، تقاضای خود را پس گرفت و ممانعت کرد و در نهایت بعد از مکاتباتی بین طرفین در ۱۲۶۶ق/۱۸۴۹م پذیرفته شد که این بنا ساخته شود (تیموری، ۱۳۳۲، صص ۲۶۹-۲۷۳). هدف روس‌ها از گرفتن این امتیاز علاوه بر معالجه کارگران و ملوانان خود تلاش برای افزایش نفوذ اتباع خود هم بود. آن‌ها در زمان صدارت آقاخان نوری از او درخواست کردند که اولیای استرآباد و بندر گز «مانع از عملیات مأموران روسی در تعیین عمق آب و گودی نقاط ساحلی آن‌جا» نشوند (استادوخ، سال ۱۲۷۳ق، کارتن ۱۴، پرونده ۸، برگ ۱۱).

روس‌ها همین‌طور در آشوراده مغازه، کلیسا، و زندان ساختند (مکنزی، ۱۳۵۹، ص ۱۵۷). آن‌ها با ورود به این مناطق و تأسیس کنسولگری، قدرت واقعی را به دست گرفتند و مالک اراضی آن‌جا شدند و به زراعت و ایجاد تأسیسات خود پرداختند. کنسولگری روس‌ها در سواحل خزر، بعداً به مرکز توطئه علیه منافع ملی و مردم ایران تبدیل شد (معطوفی، ۱۳۷۴، ص ۲۵۵). گرچه نیروی کار را ایرانیان تأمین می‌کردند، ولی مغازه‌ها به دست روس‌ها بود و به جز سرحدار دولت قاجار هیچ ایرانی‌ای که کاره‌ای باشد وجود نداشت (بیت، ۱۳۶۵، ص ۲۶۲). دولت ایران نیز گرچه توان مقابله با روسیه را نداشت، ولی مخالف سلطه این کشور بود و با تأسیس بندر گز و حضور روس‌ها مخالفت کرد؛ به گونه‌ای که: «ایرانیان بندر سواحل گز را ویران کردند و به تهران گزارش نمودند که باعث اضطراب شده بود؛ چون نوشته بودند که روس‌ها دارند قلعه‌ای سنگین می‌سازند» (وثوقی زمانی، ۱۳۶۳، ص ۷۵). ولی روس‌ها بی‌اعتنا به مخالفت ایران بر آشوراده و بندر گز مسلط شدند. البته دولت ایران به دلیل ترس از برقراری رابطه با روس و انگلیس، به گسترش مناسبات تجاری در آن‌جا علاقه نداشت؛ گرچه در نهایت بندر گز به پایگاهی تجاری و محل بازرگانی تبدیل شد.

میزان واردات به بندر گز سالانه به ۲۰ تا ۲۵ هزار تومان می‌رسید و علاوه بر کشتی‌های تجاری، کشتی‌هایی برای صید ماهی نیز به آن‌جا می‌آمدند (Abbotte, 1983, PP 55, 62). از مهم‌ترین شریان‌های تجاری و پایگاه‌های ورود و خروج کالا در ایران، بندر گز و استرآباد بود. به تصریح کرزن: «روی هم‌رفته می‌توان گفت که منطقه شمال غربی [ایران] همان ایالت پهناور خراسان است و از جمله خطوط سوق‌الجیشی منتهی به آن‌جا، راه‌های تجاری آن‌جاست؛ از جمله راهی که از دریا [ای خزر] از طریق بندر گز واقع در جنوب خزر و استرآباد و شاهرود وارد می‌شود که در انحصار روس‌هاست... از طرفی تا قبل از تأسیس راه آهن ماورای خزر، که جاده عشق‌آباد-مشهد را برقرار کرد، گز-استرآباد راه اصلی دستیابی و ارتباط روسیه با شمال شرق و هرات بود» (کرزن، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۶۷۷)؛ ولی با تأسیس این خط آهن، بخش مهم کالاهای روسی از آن طریق وارد خراسان می‌شد.



کنسولگری روسیه در سال‌های ۱۲۶۱-۱۲۶۲ق/۱۸۴۵-۱۸۴۶م در بندر گز ایجاد شد و سرکنسول‌ها برای نفوذ در این منطقه به خرید املاک مزروعی از بزرگان و مالکان آنجا پرداختند (مخابرات/استرآباد، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۶). بنابراین روس‌ها بعد از سلطه نظامی بر این منطقه، برای به دست گرفتن اقتصاد و املاک آن‌جا به تکاپو افتادند.^۱ آن‌ها در مکاتبات خود با امیرکبیر به موضوع رفاه اهالی و برقراری امنیت نیز اشاره داشتند؛ ولی امیرکبیر از نیات آنان آگاه بود. آن‌ها در این اراضی از حقوق کنسولی خود استفاده می‌کردند که خود تلاشی برای دخالت در قوانین شرعی اسلام به شمار می‌رفت. بسیاری از تجار سنی مذهب آن‌جا تابعیت روسی می‌گرفتند تا تابع قوانین روس باشند (انتز، ۱۳۶۹، صص ۳۶-۳۷). این موضوع که از پیامدهای عهدنامه‌های قبلی با روسیه بود، اثراتی زیانبار در روابط بین دو دولت داشت. تأسیس راه‌آهن ماورای دریای خزر ضربه‌ای سنگین بر رونق تجاری بندر گز وارد کرد و گرچه هیچ‌وقت رونق این بندر کاملاً از بین نرفت، ولی سیر نزولی و احتضار این شهر کوچک بندری از این دوره شروع شد. همین مسئله یعنی تمرکز روسیه بر نواحی شمالی گز و آشوراده یعنی دشت‌های آسیای مرکزی و عشق‌آباد، زمینه‌ای فراهم کرد که بعد از دوره ناصری، تجار ایرانی به سرمایه‌گذاری در بندر گز بپردازند.

بندر گز و نواحی مجاور آن تا اواخر دوره قاجار، در نتیجه اقدامات روسیه و رونق گرفتن وضعیت تجاری آن‌جا اهمیتی فراوان پیدا کرده بود و به محض اینکه قدرت روسیه در آن‌جا تضعیف شد، تجار ایرانی که تا آن موقع ثروت و قدرتی هم به هم زده بودند، به بندر گز آمدند و به سرمایه‌گذاری در آن‌جا پرداختند. علاوه بر روس و انگلیس که بیشتر تجارت ایران با آن دو کشور بود (جمالزاده، ۱۳۳۵، ص ۹)، کشورهای دیگری هم به تجارت در این منطقه مشغول بودند؛ از جمله فرانسه که بیشتر شکر وارد می‌کرد و آلمان که قند و اجناس پشمینه می‌آورد (مخابرات/استرآباد، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۸۷۹). تمرکز تجارت در این منطقه، موجب اهمیت یافتن آن شد و زمینه گسترش تأسیسات بندری را در آن‌جا فراهم کرد و در توجه بازرگانان ایرانی سهمی عمده ایفا کرد.

جنگ جهانی اول و تضعیف قدرت اقتصادی روسیه در سواحل ایرانی دریای خزر

گرچه انقلاب مشروطه و جنگ بین موافقان و مخالفان آن، به بندر گز هم رسیده بود، ولی بعد از فتح تهران، محمدعلی شاه به امید کسب یاری، به آن‌جا پناه برد؛ که البته تجار ارمنی با توجه به منافع اقتصادی و اجتماعی، به شدت با کودتای او مخالفت کردند. در نبرد بین تجار و طرفداران محمدعلی شاه، کودتاگران ضد مشروطه، پیروز شدند و شهر بندر گز و لوازم آن غارت و اموال تجار به عنوان غنیمت به شاه مخلوع سپرده شد (مخابرات/استرآباد، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۲۸۴-۲۸۵).

۱. برای اطلاع بیشتر، ک به نورایی مرتضی؛ سعادت، مینا. (زمستان ۱۳۸۹). «تیین مالکیت روس‌ها در سه شهر رشت، تبریز و استرآباد ۱۳۱۸-۱۲۴۰ق/۱۹۰۰-۱۹۲۱م». گنجینه اسناد، ش ۷۸، صص ۱۲-۳۰.



۲۸۶). این رویدادها بر حیات اقتصادی بندر گز تأثیراتی سوء داشت و کمی بعد وقوع جنگ جهانی حضور روس‌ها را در آنجا کاهش داد.

جنگ جهانی اول که محصول رقابت دول استعمارگر بود، در اوایل سال ۱۹۱۴م/۱۲۹۳ش به دنبال کشته شدن ولیعهد اتریش (فرانتس فردیناند) به دست صرب‌ها- آغاز شد. در فاصله ۱۹۰۰-۱۹۱۴م اروپا چهار بار شاهد بروز تهدید جنگی بود تا اینکه به جنگ بزرگ رسید (رنون، ۱۳۶۱، ص ۱۲)؛ بنابراین زمینه جنگ از قبل فراهم شده بود و دامنه آن به بسیاری از نقاط اروپا و آسیا کشیده شد؛ از جمله به نواحی شمالی ایران که البته با حمله مهاجمین، دولت وقت ایران (مستوفی الممالک) قبل از هر چیز بدون حمایت از هیچ کشوری بی طرفی خود را اعلام کرد (ساکما، ۲۹۳/۶۱۳۸). البته این اولین نشانه ضعف دولت در برابر مهاجمین بود.

تا اواخر دوره قاجار و وقوع جنگ جهانی اول -که اوضاع داخلی کشور روسیه را متحول کرد- بیشترین تجارت ایران با آن کشور بود. با گسترش ورود کالاهای روسی، ایران به بازاری برای فروش آن کالاها بدل شد و بیش از نیمی از واردات و صادرات کشور، در اختیار روس‌ها قرار گرفت (فوران، ۱۳۸۸، صص ۱۷۴-۱۷۸). روسیه این برتری تجاری را تا وقوع جنگ جهانی اول همچنان حفظ کرد و اکثر کالاهای مصرفی این حدود از آنجا وارد می شد. ولی با وقوع جنگ جهانی اول نفوذ روسیه کاهش پیدا کرد. برتری تجاری روسیه از دست رفت و گروه گروه از روس‌ها برای سکونت و کار روی زمین به استرآباد آمدند و موقعیت تجاری در شمال پیچیده شد (نورایی و سعادت، ۱۳۸۹، ص ۲۷). با وقوع جنگ اول جهانی مناسبات دو کشور دچار تحولاتی شد و بسیاری از کمپانی‌ها و امتیازداران نزاری، حمایت دولت روسیه را از دست دادند و امتیاز آنان لغو شد و به علت ضعف مالی و بی کفایتی و ناتوانی منحل شدند (مخابرات استرآباد، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۸۱۶). با کاهش ارزش روبل، قیمت کالاها در شمال ایران بسیار کاهش یافت و این روند زمینه و فرصت را برای تجار ایرانی فراهم کرد تا جای شرکت‌های روس را پر کنند. از مهم‌ترین مشخصه‌های تجاری ایران طی جنگ جهانی اول، کاهش تراز بازرگانی داخلی و خارجی بود که از این وضعیت، تجار ایرانی و غیرایرانی متضرر شدند. به علاوه ناآرامی و غارت ترکمنان بار دیگر شدت گرفت و انجمن‌هایی در بندر گز علیه روس‌ها برپا شد (مخابرات استرآباد، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۷۰). وقوع انقلاب بلشویکی نقش زیادی در سقوط تجارت با روسیه داشت و تجاری را که با روسیه مبادله داشتند به ورشکستگی کشاند. روی کار آمدن حزب بلشویک لنین، نقطه پایانی بر برنامه‌های توسعه طلبانه روس‌ها گذاشت و به استعمار ارضی روس‌ها در ایران پایان داد (نورایی و آندریوا، ۱۳۸۸، ص ۳۳). با تضعیف موقعیت تجار خارجی، تجار ایرانی -که بعضاً با روسیه هم ارتباط داشتند- بخشی از ثروت و پول خود را در بندر گز که بندرگاه روس‌ها به شمار می رفت، صرف فعالیت‌های تجاری و غیر تجاری کردند.

۱. برای اطلاع از نوع و نحوه تجارت ایران با روسیه طی سال‌های جنگ اول جهانی می‌توانید رک به ترازای فارسانی، سهیلا. (۱۳۸۴). تجار، مشروطیت و دولت مدرن. تهران: نشر تاریخ ایران، صص ۴۴۲-۴۴۳.

فعالیت تجار ایرانی در بندر گز

ایران بعد از امضای معاهدات و واگذاری امتیازات مختلف به دول خارجی، مستقیم با آنان رابطه برقرار کرد و به دایره نظام اقتصاد جهانی نزدیک شد. این روند به تجار داخلی فرصت داد تا بدون توجه به تأیید از جانب دولت قاجار با استعمارگران - که با انحصارطلبی برای حذف رقبای داخلی تلاش می‌کردند - به رقابت بپردازند. البته دولت با اعطای امتیاز به بیگانگان برای تأمین هزینه‌های خود، باعث ضربه به تجار ایرانی می‌شد. تجار ایرانی حتی بعد از ورود روس‌ها به بندر گز و نواحی مجاور هم از آن‌جا صرف‌نظر نکردند. برای نمونه زمانی به مشیرالدوله وزیر امور خارجه گزارش رسید که کمپانی قفقاز - مرکوری قصد دارد در بندر گز دستگاه لُتکا^۱ بارکش فراهم کند و یک کشتی کوچک هم برای کشیدن حاضر نماید، ولی «چون حالیه امر حمل و نقل به دست رعایای ایران خوب انجام می‌شود، یقین است هرگاه کمپانی روسی اقدام به این کار نماید، اسباب قیل و قال و زحمت آن‌ها را فراهم خواهد کرد» (استادوخ، سال ۱۳۲۳ ق، کارتن ۱۷، پرونده ۱۸، برگ ۱۲) و در آخر مشیرالدوله مانع این کار شد.

حضور سرمایه‌گذاران و شرکت‌های خارجی با بهره‌بردن از انواع تسهیلات دولتی، به ضعف و ناکامی تجار بومی منجر می‌شد (توحیدلو، ۱۳۹۴، ص ۱۴۴). با این حال تجار داخلی با تأسیس کمپانی‌هایی بزرگ و کوچک در وضعیتی که روسیه در نیمه شمالی کشور در عرصه تجارت و مناسبات اقتصادی یکه‌تازی می‌کرد، به امور بازرگانی روی آوردند. سبک و سیاق زمین‌داری شرقی، دست تجار ایرانی را باز کرده بود تا رابط مبادلات بین شهر و روستا شوند. آنان به صدور و ورود کالاهایی چون تریاک، پنبه، ابریشم، میوه و خشکبار می‌پرداختند و از این طریق پولی هنگفت نصیبشان شده بود (فشاهی، ۱۳۶۰، صص ۲۲۶-۲۲۹؛ عیسوی، ۱۳۶۲، صص ۱۰۷-۱۰۹). به این طریق بود که برخی از سرمایه‌گذاران عمده‌ای که خارج از بندر گز به فعالیت‌های تجاری و کشاورزی اشتغال داشتند، بخشی از دارایی خود را به بندر گز آوردند و شروع کردند به سرمایه‌گذاری در این منطقه.

در دوره قاجار موانع و مشکلاتی بر سر راه سرمایه‌گذاری و صنعتی شدن ایران وجود داشت؛ از جمله نبود امکانات ارتباطی که دادوستد و تجارت را ضعیف می‌کرد. یکی از مهم‌ترین علل این موضوع ضعف تکنولوژیکی و موانع طبیعی و ناامنی و از همه مهم‌تر ضعف حکومت مرکزی بود. برای نمونه در اوایل سلطنت مظفرالدین‌شاه، بخشی از اموال امین‌الضرب‌ها به ارزش ۸۰۰ هزار تومان مصادره شد (انصاری رنانی و کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۲۰). اعتماد السلطنه دزدی و غارت را یکی از موانع مهم سرمایه‌گذاری می‌داند و می‌گوید: «در شهر دزدی‌های غریب می‌شود. دیشب در حجره تومانیاتس تاجر ارمنی که در کاروان‌سرای امیر است، سقف را شکافته به معاونت زیربان و نردبان بالا رفته و پائین رفته، دزدان مبلغی نقد

۱. لُتکا: قایق، کرجی.

و جواهرات برده بودند. به‌علاوه چند نفر را در این ماه، شب‌ها در کوچه به قتل رسانده‌اند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۷، ص ۱۰۵۳).

در نتیجه تجار با وجود فعالیت‌های گسترده در زمینه‌های گوناگون نتوانستند به سرمایه‌گذاری کارآمد در داخل کشور و صنعتی کردن آن بپردازند. این موانع در دو حوزه داخلی (از جمله شیوه تولید و فقدان تمایز میان شهر و روستا و نظام سیاسی-اجتماعی آن، نداشتن استقلال تجار و سرمایه‌گذاران از دولت و نظام سیاسی حاکم، ناامنی و غارت، پراکندگی اجتماعات) و حوزه خارجی (وضعیت نیمه‌استعماری و مداخله گسترده استعمارگران در ایران، وابستگی اقتصاد سنتی ایران به بازار نوپای جهانی) قابل بررسی‌اند (اشرف، ۱۳۵۹، صص ۱۲۶-۱۳۵). در عهد قاجار به‌علت ساختار سیاسی و اجتماعی و شکل سنتی تولید، مالکیت خصوصی ضعیف بود. ولی برخی از تجار داخلی که با زیربوم تجارت و راه‌های سرمایه‌گذاری آشنا شده بودند، با هدف کسب سود بیشتر در مناطقی چون بندر گز به سرمایه‌گذاری پرداختند. این اقدام جزء اولین نمونه‌های سرمایه‌گذاری بومی در دوره قاجار بود و از این نظر که آغازگر تغییر مناسبات به‌شمار می‌رفت، اهمیت زیادی داشت.

قبل از آمدن روس‌ها به بندر گز هم تجار ایرانی کم‌وبیش در حوالی این بندر حضور داشتند. با رونق تأسیسات بندری و تمرکز روس‌ها، «گرچه تجارت این منطقه عمدتاً به‌دست تجار روسی بود، ولی کسانی که کالاهای روسی را از آن‌ها می‌خریدند، دو یا سه تاجر خرده‌پای ایرانی بودند و چندتا دست‌فروش و قاطرچی که از شاه‌رود می‌آمدند و محصولات آن‌جا را تهیه می‌کردند. راه ورود کالاهای روسی به خراسان از طریق بندر گز به شاه‌رود می‌گذشت» (Abbott, 1983, P64).

تجار ایرانی در جریان مبادلات کالا نقش واسطه داشتند و بعد از تأسیس خط آهن ماورای خزر و تمرکز روسیه بر نقاط شمال گز، و آشوراده، خود تجار ایرانی به رتق و فتق امور تجاری آن‌جا پرداختند. بندر گز مهم‌ترین مرکز تجارت خارجی ایالت استرآباد بود که روس‌ها موجب رونق آن را فراهم کردند (نورایی و سعادت، ۱۳۸۹، ص ۲۱). هم‌چنین اهمیت سوق‌الجیشی بندر گز که حدفاصل تهران و مشهد بود، در توجه بازرگانان ایرانی به آن‌جا نقشی مهم داشت. لذا تجار ایرانی پی بردند که این بندر توانایی و ظرفیت سرمایه‌گذاری دارد. ضعف موقعیت روسیه بعد از مشروطه و به‌ویژه بعد از جنگ جهانی اول و انقلاب بلشویکی روسیه - که سبب ضعف و انحلال شرکت‌های تجاری روسیه شد - نیز در این تصمیم نقشی عمده داشت. گرچه تجار زیادی در ایران دوره قاجار رشد کردند، ولی درارتباط با بندر گز و فعالیت در آن‌جا، به دو تن از مهم‌ترین و ثروتمندترین و معتبرترین تجار بزرگ، یعنی محمدحسن و محمدحسین امین‌الضرب و تومانیان‌ها اشاره می‌شود:



امین‌الضرب‌ها

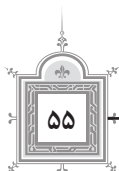
از جمله تجار سرشناس ایرانی دوره قاجار پدر و پسری اصفهانی بودند به نام محمدحسن و محمدحسین امین‌الضرب. حرفه اولیه این خانواده صرافی بود؛ یعنی به خرید و فروش مسکوکات خارجی و داخلی می‌پرداختند (اسناد/امین‌الضرب، ۱۳۹۶، صص ۲۹۲-۲۹۳). ابتدا حاج محمدحسن به تجارت مستقل روی آورد و بعد از رفتن به تهران به عنوان دوره‌گرد، کم‌کم به اسم امین‌الضرب شهرت یافت و تاجری پرآوازه شد (علوی، ۱۳۶۳، ص ۳۱). این ایام به معنای شروع مرحله‌ای نوین در حیات سیاسی-اقتصادی حاج محمدحسن بود. او در نتیجه ارتباط با تجارت‌خانه اروپایی رالی^۱ - به مدیریت واسیلی یادی پانیورتی - با رموز تجارت آشنا شد و با کمک حاج عبدالحمید تاجر اصفهانی مقیم تبریز تجارت‌خانه‌ای برای تجارت با استانبول و اروپا تأسیس کرد (امین‌الضرب، ۱۳۴۱، صص ۱۰-۱۱). امین‌الضرب مدتی نماینده پانیورتی بود و او نیز به امین‌الضرب اعتماد فراوان داشت. محمدحسن به تدریج حواله‌های پانیورتی را نقد می‌کرد و به او تحویل می‌داد (مهدوی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۶). کار با این کمپانی خارجی و اعتماد کامل به امین‌الضرب، زمینه‌ساز شهرت او در تهران، نزد شاه و وزراء شد (ممتحن‌الدوله شقاقی، ۱۳۵۳، صص ۱۰۴-۱۰۵). بدین ترتیب علاقه محمدحسن به تجارت و معامله افزایش یافت و هر روز سود بیشتری نصیبش شد.

رونق کسب و کار حاج محمدحسن سبب شد که او برادرش ابوالقاسم را به عنوان نماینده شرکت خود در سال ۱۲۸۷/ق ۱۸۷۰م برای تجارت به استانبول بفرستد؛ تا هم کالاهای اروپایی بخرد و به ایران بفرستد و هم کالاهای ایرانی را به اروپا صادر کند. به این ترتیب آن دو به وارد کردن البسه اروپایی پرداختند (اسناد تجارت ایران...، ۱۳۸۰، صص ۱۰، ۱۶) و نقش بازاریاب را پیدا کردند. دامنه فعالیت آنان در زمینه کریستال، فیروزه، الماس، پنبه، چای، قند، شکر، صابون، تریاک و... به روسیه، انگلیس و... گسترش پیدا کرد (مهدوی، ۱۳۷۹، ص ۴۷). به هر حال حاج محمدحسن در نتیجه ارتباط تجاری با دنیای خارج، با دستاوردهای تمدن جدید آشنا شدند و به تدریج در دیگر زمینه‌های تجارت هم به معامله پرداختند؛ این موضوع سبب ورود اولین دستاوردهای صنعتی غرب به ایران، به وسیله آنها شد. در سال‌های بعدی حاج محمدحسن خود به خارج سفر می‌کرد و در بازگشت لزوم ورود تمدن، کالاها و اختراعاتی چون بانک، راه‌آهن و... به داخل کشور را با هدف پیشرفت در عرصه‌های مختلف، به خاندان حاکمه و مسئولان گوشزد می‌کرد. به هر حال این اقدامات و ارتباط مستقیم با خارج، امین‌الضرب را کاملاً آماده و توانمند کرده بود که به عنوان اولین ایرانی، صاحب صنایع نوین شود و کارخانه‌های متعددی در داخل کشور ایجاد کند.

حاج محمدحسین پسر حاج محمدحسن نیز در توسعه برق تهران مؤثر بود و کارخانه برق

1. Ralli Co.

۲. برای اطلاع از گوشه‌ای از اقدامات امین‌الضرب‌ها و روند آشنایی آنان با غرب و ورود تولیدات فرنگی به ایران دوره قاجار ر. ک به فلاح توتکار، حجت. (بهار ۱۳۸۶). «فرنگ و فرنگی و دستاوردهای تمدنی جدید در اندیشه و عمل محمدحسن امین‌الضرب». تاریخ، سال یکم، شماره ۴، صص ۱۰۶-۱۱۶.



تهران را خرید و در خیابان چراغ‌برق نصب کرد و تا اواخر دوره قاجار دو کارخانه برق دیگر نیز ایجاد کرد (محبوبی اردکانی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۳۸۶). پس از آن، توجه او به دنیای تجاری جدیدی جلب شد که در آن، معاملات بزرگ، بازار خارجی، صادرات کالا، مبادلات صرافی و مشارکت با شرکت‌های خارجی در وارد کردن کالاهای متنوع و... وجود داشت. همین توان اقتصادی به او امکان می‌داد که در سیاست نیز مداخله کند؛ که نمونه‌ای از آن در جریان حادثه تنباکو و کمپانی رژی رخ داد.^۱ این مسائل نشان‌دهنده نقش فعال و توان بالای حاج محمدحسین در عرصه امور داخلی بود. او برای خرید و فروش کالا و سپرده و حواله پولی، در همه شهرهای مهم ایران نمایندگی داشت (عبدالله‌اف، ۱۳۶۲، ص ۶۳). به هر حال با چنان پیشینه تجاری‌ای بود که محمدحسین امین‌الضرب نیز در بندر گز به سرمایه‌گذاری پرداخت.

تومانیان‌ها

شکل‌گیری و فعالیت تجارت‌خانه‌ها از نتایج آنی رشد و رونق تجارت داخلی و خارجی بوده‌است و تجارت‌خانه برادران تومانیان نیز یکی از آن‌ها به‌شمار می‌رود. کمپانی تومانیان‌ها (ارامنه ساکن تبریز) از جمله مهم‌ترین مؤسسات تجاری-اقتصادی بود که از عهد ناصری تا جنگ جهانی اول به حیات خود ادامه داد. این کمپانی در واردات، صادرات و بانکداری فعالیت داشت. این تجارت‌خانه در ۱۲۹۵ق/۱۸۷۸م شکل گرفت (بیات، ۱۳۷۵، ص ۹۴). یعنی تقریباً ده سال بعد از امضای عهدنامه ترکمانچای. تومانیان‌ها بعد از آنکه از تجارت با روسیه پولی به‌دست آوردند، به تدریج در شهرهای آذربایجان و شهرهای شمالی تا ایالت خراسان شعب شرکت خود را گسترش دادند (جهانشاهی، ۱۳۳۸، ص ۴۷). وجود این شعب نشانه رونق کار و توانایی مالی این کمپانی بود. تبریز کانون اقتصاد آذربایجان و بهترین مرکز تجاری ایران (جکسن، ۱۳۵۲، ص ۶۲)، انبار کالاهای روسیه و از بزرگ‌ترین شهرهای ایران به‌شمار می‌رفت. هسته این مؤسسه را باید در دکه کوچکی جستجو کرد که مردی به نام هاراتون تومانیانس ارمنی در تاریخ ۱۲۵۷ق/۱۸۴۰م در شهر پررونق آن زمان، تبریز^۲ افتتاح کرد. او از اهالی قراچه‌داغ آذربایجان بود که با صدور و ورود کالاهایی چون آهن‌آلات و نعل اسب، خشکه، پنبه، ابریشم و... در تبریز، کم‌کم شهرت یافت و کمی بعد چهار پسر او با همکاری یکدیگر در این شهر تجارت‌خانه معروف به کمپانی تومانیان‌س را تأسیس کردند (فاتح، ۱۳۰۹، ص ۳۱۹). بنابراین در عصر امتیازات زمانی که تجار داخلی متوجه خطر بیگانه شدند به گشایش تجارت‌خانه‌هایی هر چند کوچک برای صدور و ورود مستقیم کالا پرداختند.

کمپانی تومانیان‌س بعد از شکل‌گیری، به خرید و فروش کالا در بازارهای داخلی و کمی بعد در خارج از ایران و به‌ویژه در قلمرو روسیه مشغول شد. عمده کار تومانیان‌ها خرید مواد

۱. برای اطلاع از اقدامات و نقش او در حادثه رژی رک به ناطق، همدا، (۱۳۷۳). *بازرگانان در دادوستد با بانک شاهی و رژی تنباکو (بر پایه آرشو امین‌الضرب)*. تهران: توس.
۲. اوین که در آستانه مشروطیت از آن جا دیدن کرده‌است، می‌گوید: «تبریز ۲۵۰،۰۰۰ نفر جمعیت دارد و انتهای خط کاروان‌هایی است که برای وارد کردن کالا مشغول‌اند و ۱۲۰۰ کارگاه قالی‌بافی در آن موجود است و ۱۰،۰۰۰ کارگر آن در ۲۸ بخش شهر ساکن‌اند» (اوین، ۱۳۶۲، ص ۵۴ و ۷۰-۷۱).

خام ایران و حمل آن به روسیه بود و طولی نکشید که شعب تجارت‌خانه خود را در هشترخان، مسکو، و باکو هم گشودند و کارخانه‌های متعددی برای پاک‌کردن برنج و پنبه و غیره در روسیه دایر کردند تا اجناس صادره از ایران را در این کارخانه‌ها به عمل آورند. داشتن شعب مختلف در نقاط شمالی ایران و در بعضی از شهرهای روسیه تجارت‌خانه مزبور را واداشت که قسمتی از پول خود را به صرافی و خرید و فروش برات‌های داخلی و خارجی اختصاص دهد و این کار را گسترش دهد. بعد از سال ۱۳۰۸ ق/ ۱۸۹۱ م برادران تومانیان در ایران به صدور مواد خام و بانکداری و ملاکی پرداختند و با خرید چند کشتی در دریای خزر به حمل کالا پرداختند (هاکوپیان، ۱۳۸۰، ص ۱۳۳). یعنی آن‌ها علاوه بر امور مالی و صرافی در رشته‌های مختلف صادرات و واردات و زمین‌داری و امور رفاهی نیز فعالیت می‌کردند. تومانیان‌ها با برقراری ارتباط با روسیه، نقشی پررنگ در صدور مواد و کالاهای ایرانی از جمله برنج (ساکما، ۲۹۰/۲۴۳۸) به روسیه و ورود اجناس روسی به بازارهای داخلی داشتند. آنان خشکبار، پنبه، و ابریشم به روسیه صادر می‌کردند و نقره و آهن و قماش به ایران وارد می‌کردند (اشرف، ۱۳۵۹، ص ۷۷). شهرت تومانیان‌ها گذشته از امور بانکداری و صرافی، بیشتر به اشتغال آنان در امور بازرگانی برمی‌گشت؛ چون آنان پایه‌پای تجار خارجی به‌ویژه روسی، در تجارت داخلی و خارجی درگیر بودند. گرچه محل اصلی فعالیت تومانیان‌ها در شمال قرار داشت، ولی آن‌ها به‌صورت پراکنده در نواحی پررونق جنوب (حوزه نفوذ انگلیس) نیز فعالیت می‌کردند. سایکس در زمان عبور از رفسنجان می‌نویسد: «سابق بر این قسمت مهم پنبه آن‌جا به هند صادر می‌شد؛ ولی از ۱۸۹۸ م/ [۱۳۰۶ ق] به‌بعد متقال به‌متقال آن را با شتر از طریق شاهرود به روسیه می‌برند و تجارت این کالا به‌دست تجارت‌خانه تومانیانتس روسی افتاده است» (سایکس، ۱۳۶۳، ص ۲۱۴).

این شواهد نشان می‌دهد که تجارت ایران تماماً در دست اروپاییان نبوده‌است و با رسیدن کالاهای به ایران، تجار به‌ویژه ارامنه آن را توزیع می‌کرده‌اند (لمبتون، ۱۳۷۵، ص ۲۱۹). در نیمه قرن ۱۹ م مبادلات روسیه و ایران حجمی درخور توجه داشت و بازرگانی در ولایات شمالی کشور، با وجود موانع و محدودیت‌های فراوان رونق پیدا کرد. در چنین بستری تجار داخلی در کنار هم‌تایان خارجی، به بازرگانی روی آوردند. ساختار زمین‌داری شرقی، دست این تجار را باز کرده بود تا رابط مناسب بازرگانی بین شهر و روستا شوند و به صدور و ورود کالاهای گوناگون بپردازند. کمپانی برادران تومانیان با استفاده از این فرصت، با روسیه رابطه برقرار کرد و در مبادلات تجاری فعالانه شرکت کرد و با توجه به این زمینه فعالیت‌ها بود که مقارن با توسعه تجاری بندر گز، به سرمایه‌گذاری در آن‌جا هم پرداخت.



زمینه فعالیت‌های تجار در بندر گز خرید و صدور مواد خام

زمین‌داری تنها فعالیت تجار نبود؛ بلکه آن‌ها در زمینه‌های دیگر از جمله خرید مواد خام و ارسال آن به خارج نیز شرکت می‌کردند. یکی از ویژگی‌های مازندران و استرآباد داشتن معادن طبیعی بود. استرآباد و بندر گز از بابت معادنی چون نقره، مس، زغال‌سنگ، سدیم و... سرزمینی غنی به‌شمار می‌رفت (تامسن، ۱۳۸۹، ص ۱۶). این معادن بیشتر در مناطق کوهستانی و بر فراز تپه‌ها قرار داشت و لذا کوهستان‌های استرآباد و اطراف ثروتی غنی داشتند (ملگونوف، ۱۳۷۶، صص ۱۸۳-۱۸۶)؛ بنابراین وقتی تجار روسی به جنوب شرق خزر آمدند، به استخراج معادن پرداختند. تجار ایرانی با الگوگرفتن از تجار روسی کارها و مشاغل آنان را ادامه دادند.

تجار ایرانی وقتی به بندر گز رفتند، ابتدا به‌علت رونق بازار به فعالیت درزمینه مبادله مواد خام پرداختند؛ ولی بعداً به کار تولید هم روی آوردند. وجود موادی چون پنبه، خشکبار و میوه‌جات و برنج در بندر گز موجب شد تا صاحبان سرمایه ایرانی ابتدا به جمع‌آوری و صادرات و سپس تولید این محصولات تشویق شوند. برادران تومانیان خشکبار و ابریشم خام و پنبه صادر می‌کردند و برای کسب ثروت بیشتر، به ایجاد مزارع تولید این گونه محصولات هم پرداختند (عبدالله‌اف، ۱۳۶۲، صص ۶۷-۶۸). ایران با داشتن اراضی وسیعی در شمال کشور، معدنی بزرگ برای تهیه مواد خام بود. درآمدهای حاصل از صدور مواد خام برای واردکردن یک سری کالاهای خاص به‌کار می‌رفت. در بندر گز هم ورود و صدور کالاها جریان داشت. طبق جدول زیر در سال‌های ۱۳۲۸-۱۳۲۹ ق این میزان بدین گونه بود.

اسم بندر	واردات	صادرات	مجموع
بندر گز	۲۹۵۱،۳۷۸ من	۳۹۷۱،۶۲۹	۶،۹۲۳،۰۰۷

جدول ۱

میزان ورود و صدور کالاها در بندر گز

(جمالزاده، ۱۳۳۵، ص ۳۹).

تجار روسی و ارمنی از راه رشت و خزر ۴،۲۸۴،۰۰۰ پوند پنبه قزوین، زنجان و طارم را به مسکو صادر کردند؛ برنج و تریاک نیز از دیگر کالاهای صادراتی آنان بود (عیسوی، ۱۳۶۲، صص ۳۵۴-۳۶۵). البته تجار ایرانی با نقش دلالی و واسطه‌گری خود، مواد خام را با قیمت ارزان به کشورهای خارجی می‌فروختند.



خرید و فروش زمین

تجار در نقاط بندری در عرصه‌های مختلف فعالیت می‌کردند. در واقع از مهم‌ترین ویژگی‌های تجار این بود که به تجارت یک کالای خاص نمی‌پرداختند و به هر کاری که احتمال سودآوری داشت وارد می‌شدند (توحیدلو، ۱۳۹۴، ص ۲۶۵). در این راستا مهم‌ترین اقدام تجاری بازرگانان ایرانی در بندر گز، سرمایه‌گذاری در عرصه زمین‌داری بود. وقتی روس‌ها به این منطقه آمدند، با خرید زمین‌های اطراف بندر جز از مالکین ساکن آن‌جا، شروع کردند به انحصاری کردن فعالیت‌های تجاری و اقتصادی. ساخت کارخانه در آن‌جا باعث نگرانی تجار بومی شد (استادوخ، سال ۱۳۲۲ق، کارتن ۲۵، پرونده ۴، برگ ۶۶). در زمان قاجار، زمین‌داری از جمله مشاغل پردرآمدی بود که چون محدودیت خاصی در آن وجود نداشت، هر فردی به راحتی می‌توانست به آن روی بیاورد. به قول اوین^۱ «ایرانیان عادتشان این است که به مجرد دستیابی به پول و ثروت، آن را تبدیل به ملک می‌کنند» (اوین، ۱۳۶۲، ص ۳۲). پرداخت وام به بخش خصوصی و دولتی و به ضمانت گرفتن زمین، عاملی مهم در گرایش تجار به زمین‌داری بود و این روند در ادامه سیاست فروش اراضی خالصه دولتی برای تأمین هزینه‌های دولت، بیشتر شدت یافت (ترابی‌فارسانی، ۱۳۸۵، ص ۳۰۷). با خرید این اراضی به وسیله بازرگانان، قشر تاجر-زمین‌دار شکل گرفت.

زمین‌داری در بندر گز از جمله عرصه‌هایی بود که تومانیان‌ها به سرمایه‌گذاری در آن پرداختند. به قول مقصدولو: «مردم بندر گز املاک موروثی خود را برای آسودگی خاطرشان واگذار خواهند کرد. چون که یک نفر ایرانی از روس‌ها دل‌خوش نمی‌باشد و راضی هستند مالا و जानاً فدایی دولت فخریمه باشند و روس‌ها دخالت نکنند» (مخابرات استرآباد، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۳۱۶-۳۱۷). برادران تومانیان که با تجار روسیه و این کشور مستقیم رابطه داشتند و در بندر گز هم مشغول مبادله بودند، بعد از مشروطه بیشتر بر این منطقه تمرکز کردند و بخشی از پول خود را به خرید زمین در این منطقه اختصاص دادند. براساس سندی تومانیان‌ها در بندر گز، یک عمارت آباد، بیست باب دکان، یک انبار بزرگ، و یک باب کارخانه پنبه‌پاک‌کنی برای استخراج پنبه از پنبه‌دانه داشته‌اند (ساکما، ۲۴۰/۲۳۴۲۱). در سال ۱۳۰۸ق/۱۸۹۰م خالصه شکل عمده دیگری از مالکیت بود که در اختیار شاه قرار داشت و دولت قاجار از اواخر دوره ناصرالدین‌شاه، قسمت عمده این زمین‌ها را برای آنکه آباد شوند فروخت و این موضوع به تجار بزرگ فرصتی داد که سرمایه خود را در زمین‌داری به کار گیرند (خسروی، ۱۳۵۱، صص ۲۱، ۲۴). بخشی از اراضی خالصه در استرآباد به برادران تومانیان واگذار شد (ساکما، ۲۴۰/۹۲۰۲۷). البته هدف اصلی تومانیان‌ها از این خرید کسب سود بود و اگر با پیشنهادی خوب هم مواجه می‌شدند، املاک خود را به فروش می‌گذاشتند. مثلاً در ۱۳۱۲ق/۱۸۹۳م

1. Oben.



بسیاری از اراضی ساحلی بندر گز را به تجارت‌خانه پنبه روسی (پرس خلویرک) فروختند که البته امین مالیه استرآباد به این معامله اعتراض کرد (ساکما، ۲۴۰/۳۱۵۱۹). تومانیان‌ها در برخی موارد در قبال طلب خود، به توقیف و مصادره زمین بدهکاران خود می‌پرداختند (ساکما، ۲۴۰/۲۱۵۳۹). برای نمونه طبق گزارش مقصودلو: [یک بار] سیف‌الملک پسر مرحوم سپه‌سالار قریه لیوان هشتیکه را در عوض طلب به اداره تومانیانتس واگذار کرد. این گزارش نشان‌دهنده مکت و ثروت تومانیانتس است که به محض کاهش نفوذ روسیه در بندر گز و استرآباد، به سرمایه‌گذاری در آنجا پرداختند.

تجار در زمینه اراضی کشاورزی و مستغلات شهری نیز سرمایه‌گذاری می‌کردند. علنی شدن ثروت تجار در بسیاری از موارد مساوی بود با مصادره آن (سیف، ۱۳۷۵، ص ۲۹۱). این موضوع عاملی بسیار مهم در روی آوردن تجار به خریدن املاک بود. آن‌ها اراضی زیادی را در مازندران، کرمان، یزد، اصفهان، مشهد و... خریداری کردند. هزینه‌های بالای دولت قاجار و خالی شدن خزانه، حکومت را بر آن داشت که برای تأمین هزینه‌ها، سیاست فروش اراضی خالصه را در پیش گیرد. در چنین وضعیتی تجار ایرانی بزرگ‌ترین خریدار اراضی دولتی بودند. محمدحسین امین‌الضرب یکی از تجار این دوره بود که پنج دانگ زمین‌های بندر گز را خرید (مخابرات استرآباد، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۵۲). او یک بار زمینی را به نماینده تومانیانتس اجاره داد که آن نماینده هم آن زمین را به یک کمپانی روسی برای تأسیس انبار نفت در مجاورت گمرک‌خانه، اجاره داد (ساکما، ۲۴۰/۱۴۵۴۵).

گرچه در دوره قاجار، نظریه فقدان امنیت، افزایش مالیات و سدهای گمرکی، بسیاری از تجار این دوره به تظاهر اموال و ثروت خود علاقه‌ای نداشتند و آثار مکت را در ظاهر و بیرون از منازل خود بروز نمی‌دادند؛ مبدا که دولت و مردم تقاضایی بی‌مورد از آنان بکنند و از چنگ‌شان دریاوردند و لذا یک بورژوازی ملاک شکل گرفت (فشاهی، ۱۳۶۰، صص ۲۳۱-۲۴۰). البته این موضوع به معنای استقلال کامل این تجار از دولت نبود و آنان همواره باید مالیات و عوارض خود را می‌پرداختند. مثلاً حاج محمدحسین امین‌الضرب که بخش زیادی از بندر گز را هم خریده بود و اغلب زمین‌های آنجا از آن وی بود (استادوخ، سال ۱۳۲۸ق، کارتن ۵۱، پرونده ۵، برگ ۵) در اواخر دوره قاجار اداره مالیه آنجا زمین‌هایش را مصادره کرد (ساکما، ۲۴۰/۱۴۵۴۵). او نیز از جمله بزرگ‌ترین تاجران زمین‌داری بود که املاک فراوانی را از خالصه‌جات دولتی خریده بود (ساکما، ۲۳۰/۲۵۶۸). جنوب شرق دریای خزر و بندر گز از جمله مناطقی بود که او در آنجا زمین خریده بود. محمدحسین بسیاری از اراضی خود را به خار جیان اجاره می‌داد (ساکما، ۲۳۰/۱۲۰۷). لذا خرید زمین و ملک‌داری یکی از حرفه‌های تجار و عرصه‌های سرمایه‌گذاری آنان بود.



کاشت و معامله محصولات کشاورزی

در دوره قاجار اقتصاد صنعتی در کشور وجود نداشت؛ در نتیجه از جمله زمینه‌های سرمایه‌گذاری با هدف کسب سود، کشاورزی و خرید و فروش محصولات زراعی بود. هم‌زمینه داخلی تولید محصولات کشاورزی فراهم بود و هم این محصولات در بازارهای جهانی خریداران زیادی داشت. در نتیجه تجار ایرانی در کنار کارخانه‌داری و گسترش صنعت، به سرمایه‌گذاری در زمینه کشاورزی هم پرداختند. مقصود لو اشاره می‌کند: «وقتی خبر رسید [که] به ملاحظه کمبود آذوقه در خاک روسیه، تاجر تومانیانس به قُرب [نزدیک] چهار هزار خروار شلتوک از انزان [منطقه بندر گز]، کرد محله [کردکوی] و دیگر قُرای مازندران خریداری کرده و در بندر جز در انبار گذاشته است» (مخابرات استرآباد، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۴۰).

مقصد عمده این کالاها و مواد روسیه بود؛ منتها به فرانسه و بلژیک هم ارسال می‌شد. غلات در داخل کشور نیز خریدار زیاد داشت. برادران تومانیان از کشاورزان بندر گز و اطراف آن گندم می‌خریدند و آن را در سطح وسیع به خبازخانه‌های پایتخت و دیگر شهرهای مهم شمالی کشور می‌فروختند (ساکما، ۲۴۰/۴۰۲۵؛ ۲۴۰/۷۷۸۶). آنان هم چنین در نتیجه قراردادی که وزارت مالیه با آنان امضاء کرده بود (ساکما، ۲۴۰/۷۴۷)، تهیه برنج مورد نیاز تهران را بر عهده داشتند (ساکما، ۲۴۰/۱۴۵۴۵). تجار هم چنین در زمینه احداث و تعمیر راه‌ها و پل‌ها و معابر هم سرمایه‌گذاری می‌کردند.

نتیجه‌گیری

تحولات اقتصادی ایران در دوره قاجار متأثر از نظام اقتصاد جهانی، باعث گسترش فعالیت‌های بازرگانی در داخل کشور شد. ایالت استرآباد، در ادامه امضای عهدنامه ترکمانچای، مورد توجه روس‌ها قرار گرفت و آن‌ها از این فرصت برای حفظ منافع نظامی و سیاسی در برابر تهدید رقیب استعماری خود بریتانیا در مستعمرات شرقی چون افغانستان و هند، و یافتن بازاری برای فروش کالاهای خود و تهیه مواد خام ارزان، استفاده کردند. قریه «گز» واقع در جنوب شرقی دریای خزر در دوره ناصرالدین شاه قاجار در ادامه پیشروی‌های روسیه به سوی شمال و شمال شرقی ایران، و سلطه بر بازارهای داخلی در رقابت با انگلیس، به شکل شهری بندری درآمد. این شهر کوچک ابتدا به پایگاه تجاری روس‌ها و دروازه ورود و خروج مواد و کالا بدل شد و مأموران روسی بر آنجا تمرکز کردند؛ ولی با احداث و تثبیت راه آهن ماورای خزر و اهمیت یافتن خط ترکمنستان به خراسان، حضور روسیه در بندر گز و استرآباد کاهش یافت و به تدریج راه برای فعالیت تجار ایرانی در امور بازرگانی، اقتصادی و عمومی این شهر-بندر فراهم شد. افرادی همچون «امین‌الضرب‌ها» و «تومانیان‌ها» به عنوان ثروتمندترین تجار ایرانی



دوره قاجار، قسمتی از پول و دارایی خود را به امور مختلف در بندر گز اختصاص دادند. رونق و اهمیت بندر گز بستری فراهم کرده بود که برخی از تجار ایرانی، در کنار و یا جدا از تجار خارجی و به‌ویژه روسی، به امور تجاری و توسعه آنجا بپردازند. در نتیجه نوعی «سرمایه‌گذاری بومی» پا گرفت که تا اواخر دوره قاجار در کارهای عام‌المنفعه، زمین‌داری و صنعت پارچه‌بافی، خرید و فروش مواد خام، کشت گیاهان و سبزی‌جات، و تأسیسات بندری فعالیت می‌کرد. البته همواره بر سر راه توسعه مناسبات سرمایه‌داری به معنای غربی کلمه - در ایران دوره قاجار، موانعی مهم وجود داشت؛ ولی این موضوع به این معنا نبود که تجار داخلی، مطلقاً به سرمایه‌گذاری توجهی نکنند. با تکیه بر اسناد تاریخی و شواهد موجود روشن می‌شود که برخی از تجار داخلی با هدف کسب سود و شهرت، قسمتی از دارایی خود را به امور تجاری و رفاهی در نقاط دارای ظرفیت ایران اختصاص می‌داده‌اند.

منابع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):

۲۴۰/۱۴۵۴۵؛ ۲۴۰/۲۱۵۳۹؛ ۲۴۰/۲۳۴۲۱؛ ۲۴۰/۲۳۶۹؛ ۲۴۰/۹۲۰۲۷؛ ۲۹۰/۲۴۳۸؛ ۲۹۳/۶۱۳۸؛ ۲۴۰/۷۴۷؛ ۲۴۰/۴۰۲۵؛ ۲۴۰/۱۷۷۸۶؛ ۲۳۰/۱۲۰۷؛ ۲۳۰/۲۵۶۸؛ ۲۴۰/۳۱۵۱۹.

مرکز اسناد وزارت امور خارجه (استادوخ):

سال ۱۲۴۷ق، کارتین ۳۷، پرونده ۱، برگ ۵.
سال ۱۲۶۳ق، کارتین ۱، پرونده ۶، برگ ۱۵.
سال ۱۲۷۳ق، کارتین ۴۱، پرونده ۸، برگ ۱۱.
سال ۱۳۱۵ق، کارتین ۳۱، پرونده ۷-۱۰، برگ ۳.
سال ۱۳۱۶ق، کارتین ۳۵، پرونده ۱۴، برگ ۱۲۰.
سال ۱۳۲۲ق، کارتین ۲۵، پرونده ۴، برگ ۶۶.
سال ۱۳۲۳ق، کارتین ۱۷، پرونده ۱۸، برگ ۱۲.
سال ۱۳۲۶ق، کارتین ۵۷، پرونده ۹، برگ ۴-۵.
سال ۱۳۲۸ق، کارتین ۵۱، پرونده ۵، برگ ۵.

کتاب

آدمیت، فریدون. (۱۳۶۲). *امیرکبیر و ایران*. (ج ۷). تهران: خوارزمی.
اسناد امین‌الضرب. (۱۳۹۶). (ایرج افشار، مقدمه‌نویس؛ نادر مطلبی کاشانی، کوشش‌گر). تهران: طهوری.



- اسناد تجارت ایران در سال ۱۲۸۷ قمری. (۱۳۸۰). (چ ۱). (اصغر مهدوی و ایرج افشار، کوشش گران). تهران: علمی و فرهنگی.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران*. (چ ۱). تهران: زمینه.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۷۷). *روزنامه خاطرات*. (چ ۲). تهران: امیرکبیر.
- انتز، مروین. ل. (۱۳۶۹). *روابط بازرگانی روس و ایران ۱۹۱۴-۱۸۲۸*. (چ ۱). (احمد توکلی، مترجم). تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- انصاری رنایی، قاسم؛ کرمانی، قنبرعلی. (۱۳۸۰). *تجارت در دوره قاجار*. (چ ۱). تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- اوین، اوژن. (۱۳۶۲). *ایران امروز (۱۹۰۷-۱۹۰۶)*. (چ ۱). (علی اصغر سعیدی، مترجم). تهران: زوار.
- بروگش، هینریش. (۱۳۶۷). *سفری به دربار سلطان صاحبقران*. (چ ۱). (حسین کردبچه، مترجم). تهران: اطلاعات.
- بوهلر، الکساندر. (۱۳۵۷). *سفرنامه بهار: جغرافیای رشت و مازندران در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار*. (چ ۱). (م. پ. بکتاجی، کوشش گر). رشت: گیلکان.
- ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۸۴). *تجار، مشروطیت و دولت مدرن*. (چ ۱). تهران: نشر تاریخ ایران.
- توحیدلو، سمیه. (۱۳۹۴). *حیات اقتصادی ایرانیان در دوره مشروطه*. (چ ۱). تهران: هرمس.
- تیموری، ابراهیم. (۱۳۳۲). *عصر بی خبری*. (چ ۱). تهران: اقبال.
- جکسن، ویلیامز. (۱۳۵۲). *سفرنامه جکسن: ایران در گذشته و حال*. (چ ۱). (فریدون بدره‌ای و منوچهر امیری، مترجمان). تهران: خوارزمی.
- جمالزاده، محمدعلی. (۱۳۳۵). *گنج شایگان*. (چ ۱). تهران: دانشگاه تهران.
- جهانشاهی، عبدالعلی. (۱۳۳۸). *تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران ۱۳۰۷-۱۳۳۷*. (چ ۱). تهران: بانک ملی ایران.
- خسروی، خسرو. (۱۳۵۱). *جامعه‌شناسی روستای ایران*. (چ ۱). تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۵). *لغتنامه*. (چ ۱). تهران: دانشگاه تهران.
- رایینو، ه. ل. (۱۳۶۵). *سفرنامه مازندران و استرآباد*. (چ ۱). (وحید مازندرانی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.
- رنون، پیر. (۱۳۷۱). *جنگ جهانی اول*. (چ ۱). (عباس آگاهی، مترجم). مشهد: آستان قدس رضوی.
- ژوبر، پی‌یر آمده. (۱۳۴۷). *مسافرت در ارمنستان و ایران*. (چ ۱). (علی قلی اعتمادمقدم، مترجم). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- سایکس، سرپرسی. (۱۳۶۳). *سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس: ده‌هزار مایل در ایران*. (چ ۱). حسین علی سعادت نوری، مترجم). تهران: لوحه.
- سیف، احمد. (۱۳۷۵). *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*. (چ ۱). تهران: چشمه.
- شمیم، علی اصغر. (۱۳۸۷). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. (چ ۱). تهران: ابن‌سینا.
- عزالدوله و ملکونوف. (۱۳۶۳). *سفرنامه ایران و روسیه «نواحی شمال ایران»*. (چ ۱). (محمد گلبن و فرامرز

- طالبی، کوشش گران. تهران: دنیای کتاب.
- علوی، ابوالحسن. (۱۳۶۳). *رجال عصر مشروطیت*. (چ ۱). (حبیب یغمایی و ایرج افشار، کوشش گران). تهران: اساطیر.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران*. (چ ۱). (یعقوب آژند، مترجم). تهران: گستره.
- فاتح، مصطفی. (۱۳۰۹). *پول و بانکداری*. (چ ۱). تهران: مطبوعه روشنایی.
- فشاهی، محمدرضا. (۱۳۶۰). *تکوین سرمایه‌داری در ایران*. (چ ۱). تهران: گوتنبرگ.
- فوران، جان. (۱۳۸۸). *مقاومت شکننده*. (چ ۷). (احمد تدین، مترجم). تهران: رسا.
- کرزن، جورج. (۱۳۷۳). *ایران و قضیه ایران*. (ج ۱ و ۲). (غلام‌علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.
- لمبتون، آن کترین سواين فورد. (۱۳۷۵). *سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام*. (چ ۳). (یعقوب آژند، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- مارکام، کلمنت. (۱۳۶۷). *تاریخ ایران در دوره قاجار*. (چ ۱). (میرزاحیم افسانه، مترجم). تهران: نشر فرهنگ ایران.
- محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۶۸). *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*. (چ ۳). (چ ۲). تهران: دانشگاه تهران.
- مخابرات استرآباد: گزارش‌های حسینقلی مقصودلو، وکیل‌الدوله. (۱۳۶۳). (ج ۱، ج ۲). (چ ۱). (ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، کوشش گران). تهران: نشر تاریخ ایران.
- معطوفی، اسدالله. (۱۳۷۴). *استرآباد و گرگان در بستر تاریخ ایران: نگاهی به ۵۰۰۰ سال تاریخ منطقه*. (چ ۱). مشهد: درخشش.
- مکنزی، چارلز فرانسیس. (۱۳۵۹). *سفرنامه شمال*. (چ ۱). (منصوره اتحادیه، مترجم). تهران: گستره.
- ملگونوف، گریگوری. (۱۳۷۶). *کرانه‌های جنوبی دریای خزر*. (چ ۱). (امیرهوشنگ امیری، مترجم). تهران: کتاب‌سرا.
- ممتحن‌الدوله شقاقی، مهدی‌بن‌رضاقلی. (۱۳۵۳). *خاطرات*. (چ ۱). (حسینقلی خان‌شقاقی، کوشش گر)، تهران: امیرکبیر.
- مهدوی، شیرین. (۱۳۷۹). *زندگی‌نامه حاج محمدحسن کمپانی، امین دارالضرب*. (چ ۱). (منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی، مترجمان). تهران: نشر تاریخ ایران.
- میرزا ابراهیم نامی. (۲۵۳۵). *سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان و ...*. (چ ۱). (مسعود گلزاری، کوشش گر) تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ناطق، هما. (۱۳۷۳). *بازرگانان در دادوستد با بانک شاهی و رژی تنباکو (برپایه آرشیو امین‌الضرب)*. (چ ۱). تهران: توس.
- وثوقی زمانی، ابوالفتح. (۱۳۶۳). *آشوراده و هرات دو کمینگاه استعمار*. (چ ۱). تهران: گویا.



یبت، چارلز ادوارد. (۱۳۶۵). *خراسان و سیستان: سفرنامه کلنل یبت به ایران و افغانستان*. (ج ۱). (قدرت‌الله روشنی و مهرداد رهبری، مترجمان). تهران: یزدان.

مقاله

- امین‌الضرب، محمدحسین. (مرداد ۱۳۴۱). «یادگار زندگانی حاج محمدحسین امین‌الضرب به قلم خودش». *یغما*، سال ۱۵، ضمیمه شماره ۱۶۹، صص ۵-۲۰.
- بیات، کاوه. (۱۳۷۵). «بانک در ایران». *دانشنامه جهان اسلام*، (ج ۲). (غلام‌علی حداد عادل، ناظر). تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، صص ۹۳-۹۴.
- تامسن، تایلور. (بهار ۱۳۸۹). «روسیه، دریای مازندران و استرآباد: گزارش تایلور تامسن وابسته نمایندگی سیاسی بریتانیا در تهران». (محمدعلی کاظم‌بیگی، مترجم). *مطالعات تاریخی*، شماره ۲۸، صص ۱۰-۴۹.
- ترابی فارسانی، سهیلا. (مرداد-شهریور-مهر-آبان ۱۳۸۵). «ریخت‌شناسی طبقه تجار در آستانه مشروطه». *سیاسی و اقتصادی*، شماره ۲۲۷ تا ۲۳۰، صص ۳۰۰-۳۱۵.
- خسروی، خسرو. (۱۳۷۵). «بندر گز». *دانشنامه جهان اسلام*، (ج ۴). (غلام‌علی حداد عادل، ناظر). تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، صص ۲۹۷-۲۹۸.
- عبدالله‌اف، ز. ز. (۱۳۶۲). «طبقه بورژوا و طبقه کارگر در ایران». چاپ‌شده در کتاب *تاریخ اقتصادی ایران*. چارلز عیسوی. (یعقوب آژند، مترجم). تهران: گستره، صص ۶۲-۷۸.
- فلاح توتکار، حجت. (بهار ۱۳۸۶). «فرنگ و فرنگی و دستاوردهای تمدنی جدید در اندیشه و عمل امین‌الضرب». *تاریخ*، سال یکم، شماره ۴، صص ۱۰۶-۱۱۶.
- نورایی، مرتضی؛ آندریوا، النا. (زمستان ۱۳۸۸). «مهاجران روس و اسکان آن‌ها در ایران اوایل قرن بیستم: مرحله دیگری از استعمار». *پژوهش‌های تاریخی*، شماره ۴، صص ۲۱-۳۶.
- نورایی، مرتضی؛ سعادت، مینا. (زمستان ۱۳۸۹). «تبیین مالکیت روس‌ها در سه شهر رشت، تبریز و استرآباد ۱۳۴۰-۱۳۴۰/ق ۱۹۰۰-۱۹۲۱ م». *گنجینه اسناد*، ش ۷۸، صص ۱۲-۳۰.
- هاکوبیان، امیل. (بهار-تابستان-پاییز ۱۳۸۰). «تاریخچه خاندان و تجارت‌خانه تومانیانس». فصل‌نامه *پیمان*، شماره ۱۵-۱۷، صص ۱۲۲-۱۳۹.

منابع انگلیسی

Abbott, Keith Edward (1983). *Cities and Trade: Consul Abbott On The Economy and Society of Iran: 1847-1866*. (Edit and with introduction by Abbas Amanat). Press London for The board of The Faculty oriental studies, Oxford University.



English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran):

240/14545; 240/21539; 240/2369; 240/92027; 290/2438; 293/6138; 293/6138; 240/747; 240/4525; 240/7786; 230/1207; 230/2568; 240/31519. [Persian]

Markaz-e Asnād-e Vezārat-e Omur-e Xāreje (Ostādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs):

Year 1247 AH / 1832, Box 37, Folder 1, p. 5.

Year 1263 AH / 1847, Box 1, Folder 6, p. 15.

Year 1273 AH / 1857, Box 14, Folder 8, p. 11.

Year 1315 AH / 1898, Box 31, Folder 7-10, p. 3.

Year 1316 AH / 1899, Box 35, Folder 14, p. 120.

Year 1322 AH / 1904, Box 25, Folder 4, p. 66.

Year 1323 AH / 1905, Box 17, Folder 18, p. 12.

Year 1326 AH / 1908, Box 57, Folder 9, p. 4-5.

Year 1328 AH / 1910, Box 51, Folder 5, p. 5. [Persian]

Books

Abbott, Keith Edward. (1983). *Cities and trade: Consul Abbott on the economy and society of Iran: 1847-1866*. Preface & edited by Abbas Amanat. London: Press London for The board of The Faculty oriental studies, Oxford University.

Adamiyat, Fereydoun. (1394/2015). *“Amir Kabir va Irān”* (Amir Kabir and Iran), (7th ed.). Tehran: Xārazmi. [Persian]

Alavi, Abu Al-Hassan. (1363/1984). *“Rejāl-e asr-e mašrutiat”* (Notable men of the constitutional era) (1st ed.). Edited by Habib Yaghmayi & Iraj Afshar. Tehran: Asātir. [Persian]

Ansari Renani, Qasem & Kermani, Qanbar Ali. (1380/2001). *“Tejārat dar dowre-ye Qājāriye”* (Commerce in Qajar era). Tehran: Dānešgāh-e Allāmeḥ Tabātabāyi (Allameh Tabatabayi University). [Persian]



- Ashraf, Ahmad. (1359/1980). *“Mavāne’-e tārixi-te rošd-e sarmāye-dāri dar Irān”* (Historical barriers to the growth of capitalism in Iran) (1st ed.). Tehran: Zamineh. [Persian]
- “Asnād-e Amin oz-zarb”* (Amin Al-Zarb’s documents). (1396/2017). Preface by Iraj Afshar; edited by Nader Motallebi Kashani. Tehran: Tahouri. [Persian]
- “Asnād-e tejārat-e Irān dar sāl-e 1287 qamari”* (Iran trade documents in 1287 AH / 1870) (1st ed.). (1380/2001). Edited by Asghar Mahdavi & Iraj Afshar. Tehran: ‘Elmi Farhangi. [Persian]
- Aubin, Eugene. (1362/1983). *“Irān-e emruz (1906-1907)”* (La Perse d’aujourd’hui, Iran, mesopotamie) [Persia Today, Iran, Mesopotamia] (1st ed.). Translated by Ali Asghar Saeedi. Tehran: Zovvār. [Persian]
- Bohler, Alexander. (1357/1978). *“Safarnāme-ye Bohler: Joqrāfiā-ye Rašt va Māzandarān dar zaman-e saltanat-e Nāser ed-Din Šāh-e Qājār”* (Bohler’s travelogue: Geography of Rasht and Mazandaran during the reign of Nasser al-Din Shah Qajar). (1st ed.). Edited by M. P. Baktaji. Rasht: Gilakān. [Persian]
- Brugsch, Heinrich Karl. (1367/1988). *“Safari be darbār-e sōltān-e sāheb-querān”* (My life and my trips) (1st ed.). Translated by Hossein Kordbacheh. Tehran: Ettelā’āt. [Persian]
- Curzon, George. (1373/1994). *“Irān va qazie-ye Irān”* (Persia and the Persian question) (vol. 1 & 2). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: ‘Elmi Farhangi. [Persian]
- Dekhoda, Ali Akbar. (1345/1966). *“Loqat-nāmeḥ”* (Dekhoda lexicon) (vol. 25). Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Entner, Marvin L. (1369/1990). *“Ravābet-e bāzargāni-ye Rus va Irān 1828-1914”* (Russo-Persian commercial relations, 1828-1914) (1st ed.). translated by Ahmad Tavakkoli. Tehran: Bonyād-e Moqūfāt-e Doktor Mahmud Afšār (Foundation of Doctor Mahmud Afshar Yazdi’s Endowments). [Persian]
- E’temad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan. (1377/1998). *“Ruznāme-ye xāterāt”* (Journal of memories) (2nd ed.). Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Ezz Al-Dowleh & Mel’gunov. (1363/1984). *“Safarnāme-ye Irān va Rusieh: Navāhi-*



- ye Šomāl-e Irān*” (Travelogue of Iran and Russia: Northern areas of Iran) (1st ed.). edited by Mohammad Golbon & Faramarz Talebi. Tehran: Donyā-ye Ketāb. [Persian]
- Fashahi, Mohammad Reza. (1360/1981). “*Takvin-e sarmāyeh-dāri dar Irān*” (La genese du capitalisme et de la modernite en Iran) [The genesis of capitalism and modernity in Iran] (1st ed.). Tehran: Gotenberg (Gothenburg). [Persian]
- Fateh, Mostafa. (1309/1930). “*Pul va bānk-dāri*” (Money and banking) (1st ed.). Tehran: Matba’eh-ye Rošanāyi. [Persian]
- Foran, John. (1388/2009). “*Moqāvemāt-e šekanandeh*” (Fragile resistance: Social transformation in Iran from 1500 to the revolution) (7th ed.). Translated by Ahmad Tadayyon. Tehran: Rasā. [Persian]
- Issavi, Charles Phillip. (1363/1984). “*Tārix-e eqtesādi-ye Irān*” (The economic history of Iran) (1st ed.). Translated by Yaghoub Azhand. Tehran: Gostareh. [Persian]
- Jackson, Williams. (1352/1973). “*Safarnāme-ye Jakson: Irān dar gozšte va hāl*” (Persia past and present) (1st ed.). Translated by Fereydoun Badrehei & Manouchehr Amiri. Tehran: Xārazmi. [Persian]
- Jahanshahi, Abd Al-Ali. (1338/1959). “*Tārixče-ye si-sāle-ye bānk-e melli-ye Irān 1307-1337*” (The 30-year history of Bank Melli Iran: 1928-1958) (1st ed.). Tehran: Bānk-e Melli-ye Irān (Bank Melli Iran). [Persian]
- Jamalzadeh, Mohammad Ali. (1335/1956). “*Ganj-e Šāygān*” (The worthy treasure) (1st ed.). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- Jaubert, Pierre Amedee. (1347/1968). “*Mosāferat dar Armanestān va Irān*” (Voyage en Armenie et en perse, fait dans les annees 1805 et 1806) [Travel to Armenia and Persia in the years 1805 and 1806] (1st ed.). Translated by Aligholi Etemad Moghaddam. Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān (Iranian Culture Foundation). [Persian]
- Khosravi, khosro. (1351/1972). “*Jāme’e-šenāi-ye rustā-ye Irān*” (Sociology of the vil-lage in Iran) (1st ed.). Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- Lambton, Ann Katharine Swynford. (1375/1996). “*Seiri dar tārix-e Irān ba’d az eslām*” (State and government in medieval Islam) (3rd ed.). Translated by Yaghoub

- Azhand. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Mackenzie, Charles Francis. (1359/1980). "*Safarnāme-ye šomāl*" (The travelogue of the north) (1st ed.). Translated by Mansoureh Ettehadieh. Tehran: Gostareh. [Persian]
- Mahboubi Ardakani, Hossein. (1368/1989). "*Tārix-e mo'assesāt-e tamaddoni-ye jadid dar Irān*" (History of the new civilization organizations in Iran) (vol. 3) (2nd ed.). Edited by Iraj Afshar & Mohammad Rasoul Daryagasht. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran). [Persian]
- Mahdavi, Shireen. (1379/2000). "*Zendegi-nāme-ye Haj Mohammad Hassan-e Kompāni, amin-e Dar oz-Zarb*" (For God, mammon, and country: A nineteenth-century Persian merchant, Haj Muhammad Hassan Amin al-Zarb, 1834-1898) (1st ed.). Translated by Mansoureh Ettehadieh & Farahnaz Amirkhani. Tehran: Našr-e Tārix-e Irān. [Persian]
- Markham, Clements Robert. (1367/1988). "*Tārix-e Irān dar dowre-ye Qājār*". (1st ed.). Translated by Mirza Rahim Afsaneh. Tehran: Našr-e Farhang-e Irān. [Persian]
- Mā'tuofi, Asadollah. (1374/1995). "*Aštar Ābād va Gorgān dar baštar-e tārix-e Irān: Negāhi be 5000 sāl tārix-e mantaqeh*" (Astarabad and Gorgan in the context of Iranian history: A look at the 5,000-year history of the region) (1st ed.). Mashhad: Deraxšeš. [Persian]
- Melgunov, Grigoriy Valerianovich. (1376/1997). "*Karāne-hā-ye jonubi-ye daryā-ye Xazar*" (Das sudliche ufer des kaspischen Meeres, oder die Nordprovinzen Persiens) [The southern shore of the Caspian Sea, or the northern provinces of Persia] (1st ed.). Translated by Amir Houshang Amiri. Tehran: Ketābsarā. [Persian]
- Mirza Ebrahim Nami. (2535/1956). "*Safarnāme-ye Aštar Ābād va Māzandarān va Gilān va ...*" (Travelogue of Astarabad, Mazandaran, Gilan, etc.) (1st ed.). Edited by Masoud Golzari. Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān (Iranian Culture Foundation). [Persian]
- Momtāhen Al-Dowleh Shaghaghi, Mahdi Ibn Reza Gholi. (1353/1974). "*Xāterāi*" (Memories) (1st ed.). Edited by Hossein Gholi Khan Shaghaghi. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- "Moxāberāt-e Aštar Ābād: Gozāreš-hā-ye Hossein Gholi-ye Maghsoudlou, Vakil od-*



- Dowleh**” (Astarabad Telecommunications: Reports of Hossein Gholi Maghsoudloo Wakil Al-Dowleh) (vol. 1 & 2) (1st ed.). (1363/1984). Edited by Iraj Afshar & Mohammad Rasoul Daryagasht. Tehran: Našre Tārix-e Irān. [Persian]
- Nategh, Homa. (1373/1994). “**Bāzargānān dar dād o setad bā bank-e šāhi va režim-e tanbāku: Bar pāye-ye āršiv-e Amin oz-Zarb**” (Les commercants, la banque imperiale et la regie des tabacs: D’apres l’archive d’Amin-oz-Zarb) [The merchants, the imperial bank and the tobacco management: According to the archive of Amin-oz-Zarb] (1st ed.). Tehran: Tus. [Persian]
- Rabino, Hyacinth Louis. (1365/1986). “**Safarnāme-ye Māzandarān va Aštar Ābād**” (Mazandaran and Astrarabad) (1st ed.). Translated by Vahid Mazandarani. Tehran: ‘Elmi Farhangi. [Persian]
- Renouvin, Pierre. (1371/1992). “**Jang-e jahāni-ye avval**” (La premiere Guerre mondiale) [World War I] (1st ed.). Translated by Abbas Agahi. Mashhad: Āstān-e Qods-e Razavi (Astan Quds Razavi). [Persian]
- Seif, Ahmad. (1375/1996). “**Eqtesād-e Irān dar qarn-e nuzdahom**” (Iran’s economy in the nineteenth century) (1st ed.). Tehran: Češmeš. [Persian]
- Shamim, Ali Asghar. (1346/1967). “**Irān dar dowre-ye saltanat-e Qājār**” (Iran during the reign of Qajar) (10th ed.). Tehran: Ebn-e Sinā. [Persian]
- Sykes, Sir Percy Molesworth. (1363/1984). “**Safarnāmeš-ye ženerāl ser Persi Sāyks: Dah hezār māyl dar Irān**” (Ten thousand miles in Persia) (1st ed.). Translated by Hossein Ali Sa’adat Nouri. Tehran: Lowheh. [Persian]
- Teymouri, Ebrahim. (1332/1953). “**Asr-e bi xabari**” (The age of ignorance) (1st ed.). Tehran: Eqbāl. [Persian]
- Tohidlou, Somayyeh. (1394/2015). “**Hayāt-e eqtesādi-ye Irāniān dar dowre-ye mašruteš**” (Iranian economic life in constitutional era) (1st ed.). Tehran: Hermes. [Persian]
- Torabi Farsani, Soheila. (1384/2005). “**Tojjār, mašrutiat va dowlāt-e modern**” (Merchants, constitutionalism and the modern state) (1st ed.). Tehran: Našre Tārix-e Irān. [Persian]
- Vosoughi Zamani, Abu Al-Fath. (1363/1984). “**Āšurādeš va Harāt do kamingāh-e**



este'mār" (Ashouradeh and Herat two ambushes of colonialism) (1st ed.). Tehran: Guyā. [Persian]

Yate, Charles Edward. (1365/1986). "*Xorāsān va Sīstān: Safarnāme-ye colonel Yate be Irān va Afqānestān*" (Khurasan and Sistan) (1st ed.). Translated by Ghodatollah Roshani & Mehrdad Rahbari. Tehran: Yazdān. [Persian]

Articles

Abdollahov, Z. Z. (1362/1983). "Tabaqe-ye buržuā va tabaqe-ye kārgar dar Irān" (The bourgeois class and the working class in Iran). In Charles Phillip Issavi (Ed.), "*Tārix-e eqtesādi-ye Irān*" (The economic history of Iran) (1st ed., pp. 62-78). Translated by Yaghoub Azhand. Tehran: Gostareh. [Persian]

Amin Al-Zarb, Mohammad Hossein. (Mordād 1341/August 1962). "Yādgār-e zendegāni-ye Hāj Mohammad Hossein-e Amin-oz-Zarb be qalam-e xodaš" (Memento of a life by Haj Muhammad Husayn Amin Al-Zarb II). *Yāqmā*, 15 (169), pp. 5-20. [Persian]

Bayat, Kaveh. (1375/1996). "Bānk dar Irān" (Bank in Iran). In Gholam Ali Haddad Adel (Ed.), "*Dānešnāme-ye Jahān-e Eslām*" (The Encyclopedia of Islam) (vol. 2, pp. 93-94). Tehran: Bonyād-e Dāyerat-ol-ma'āref-e Eslāmi (Center for the Great Islamic Encyclopedia). [Persian]

Fallah Tootkar, Hojjat. (Spring 1386/2007). "Frang va farangi va dastāvard-hā-ye tamaddoni-ye jadid dar andīše va amal-e Amin-oz-Zarb" (Europe and the Europeans and the achievements of a new civilization in the thought and action of Amin al-Zarb). *Tārix*, 1(4), pp. 106-116. [Persian]

Hacoupian, Emil. (Spring, Summer & Fall 1380/2001). "Tārixče-ye xāndān va tejāratxāne-ye Tomāniāns" (History of the Tumanians family and trade house). *Fasl-nāme-ye Peymān*, 16 & 17, pp. 122-139. [Persian]

Khosravi, Khosro. (1375/1996). "Bandar Gaz" (Bandar Gaz). In Gholam Ali Haddad Adel (Ed.), "*Dānešnāme-ye Jahān-e Eslām*" (The Encyclopedia of Islam) (vol. 2, pp. 297-298). Tehran: Bonyād-e Dāyerat-ol-ma'āref-e Eslāmi (Center for the Great Islamic Encyclopedia). [Persian]



- Nouraei, Morteza & Andreeva, Elena. (Winter, 1388/ 2010). "Mohājerānè Rus va eskān-e ān-hā dar Irān-e avāyel-e qarn-e bistom: Marhale-ye digari az este'mār" (Russian migrants and their settlements in Iran in the early 20th century: A new stage of colonization). *Pažuheš-hā-ye Tārixī* (Journal of Historical Researches), 4, pp. 21-36. [Persian]
- Nouraei, Morteza & Saadat, Mina. (Winter, 1389/ 2011). "Tabyin-e mālekiat-e Rus-hā dar se šahr-e Rašt, Tabriz va Astar Ābād 1318-1340 AH/1900-1921 AD" (Illumination of the ownership of Russians in three cities: Rasht, Tabriz and Astarabad (1900 - 1921)). *Ganjine-ye Asnād*, 78, pp. 12-30. [Persian]
- Thomson, Taylor. (Spring 1389/2010). "Rusieh, daryā-ye Māzandarān va Astar Ābād: Gozāreš-e Tāylor Tāmson vābaste-ye namāyandegi-ye siāsi-ye Britāniā dar Tehrān" (Russia, the Caspian Sea and Astarabad: Taylor Thomsen's report, associated with British political representation in Tehran). Translated by Mohammad Kazem Beigi. *Motāle'āt-e Tārixī*, 28, pp. 10-49. [Persian]
- Torabi Farsani, Soheila. (Mordād, Šahrivar, Mehr & Ābān 1385/August, September, October & November 2006). "Rixt-šenāsi-ye tabaqe-ye tojjār dar āstāne-ye mašruteh" (The morphology of the merchant class on the threshold of constitutional movement). *Siāsi va Eqtesādi*, 227, 228, 229 & 230, pp. 300-315. [Persian]

